

پایتخت عربستان سعودی در حال برگزاری است. اظهار کرد: دستور کار سال آینده بانک توسعه اسلامی برای پروژه‌هایی که تأمین مالی آن توسط بانک در کشورهای اسلامی انجام می‌شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت و پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه پنجره تأمین مالی جدی با نرخ ترجیحی برای کشورهای ایجاد شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت.

صفحه ۲

وزیر امور اقتصادی و دارایی در حاشیه پنجاهمین نشست مجمع سالانه ۲۰۲۴ بانک توسعه اسلامی گفت: پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه پنجره تأمین مالی جدی با نرخ ترجیحی برای کشورهای ایجاد شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت. به گزارش ایرنا از شاد، سیداحسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی در حاشیه پنجاهمین نشست مجمع سالانه ۲۰۲۴ بانک توسعه اسلامی که از روز گذشته در شهر ریاض

شب اول رویداد

”صدای نمایشنامه نویسی“ با استقبال پرشور علاقه مندان در تئاتر شهر برگزار شد



اولین شب از اجراهای این رویداد فرهنگی و هنری که با استقبال پرشور مخاطبان مواجه گردید در سالن مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. آرام محضری رئیس کانون نمایشنامه نویسان و مترجمان خانه ی تئاتر، شاهد الفت عضو هیئت مدیره و همچنین شهرام ابوالقاسمی بارزس این کانون و دبیر این رویداد هادی حوری و نمایندگان از ناشرین تخصصی حوزه نمایشنامه نویسی در این مراسم حضور داشتند. رویداد ”صدای نمایشنامه نویسی“ یکشنبه هر هفته و از ساعت ۱۸ مجموعه ی تئاتر شهر برگزار خواهد شد.

به گزارش پایگاه خبری اقتصاد جوان به نقل از روابط عمومی کانون نمایشنامه نویسان و مترجمان خانه ی تئاتر، این مراسم روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه و از ساعت ۱۸ با خوانش نمایشنامه ی ”گشتن زن مرده“ به نویسندگی آزاده فخری و کارگردانی سبحان اکرامی و با خوانش شایان الهی مجد، فریبا حاجی محمدی، رامین سلیمی، امید شکوری نیا، مرجان شهناز فرد، کنایون صفویه مقدم، شیدا لاهوتی، سبیده مستوفی پور، مریم نجفی شالمایی و با همراهی موسیقی علی شهیدی اولین اجرای خود را آغاز کرد.

پایان سیاه ازدواج سفید

ازدواج سفید یک آسیب اجتماعی است که در برخی کشورها رواج دارد و در ایران نیز بعضاً دیده می‌شود. در این نوع ازدواج، زوجین همسری رسمی و قانونی ندارند و به اصطلاح با توافق شفاهی خود، با هم زندگی می‌کنند. جدای از بحث جدی شرعی این ناهنجاری، ماندگاری و پایداری این نوع ارتباط بسیار بحث برانگیز است و با خود معضلات و در نهایت بحران‌هایی جدی به همراه می‌آورد.

به گزارش اقتصاد جوان نیوز، بی‌شک نمی‌توان بر روی رابطه نامشروع و خارج از مقررات شرعی برای ارتباطات بی‌قاعده و شفاهی زوجین عنوان «ازدواج» سفید نهاد اما به ناگزیر در این مقاله این عبارت نادرستِ مصطلح را از منظر آسیب‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ازدواج سفید یک آسیب اجتماعی است که در برخی کشورها در حال رواج است. در این نوع ازدواج، زوجین همسری رسمی و قانونی ندارند و به اصطلاح با توافق شفاهی خود، با هم زندگی می‌کنند. اما ماندگاری و پایداری این نوع ارتباط بسیار بحث برانگیز است و با خود معضلات و مشکلات و در نهایت بحران‌هایی پدید می‌آورد که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

حقوق و تضمین قانونی، در ازدواج سنتی و قانونی، زوجین حقوق و تضمیناتی مانند

حقوق و تضمین قانونی، در ازدواج سنتی و قانونی، زوجین حقوق و تضمیناتی مانند

حقوق و تضمین قانونی، در ازدواج سنتی و قانونی، زوجین حقوق و تضمیناتی مانند

وزیر امور اقتصادی و دارایی در حاشیه پنجاهمین نشست مجمع سالانه ۲۰۲۴ بانک توسعه اسلامی گفت: پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه پنجره تأمین مالی جدی با نرخ ترجیحی برای کشورها ایجاد شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت.

به گزارش ایرنا از شاداد، سیداحسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی در حاشیه پنجاهمین نشست مجمع سالانه ۲۰۲۴ بانک توسعه اسلامی که از روز گذشته در شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی در حال برگزاری است، اظهار کرد: دستور کار سال آینده بانک توسعه اسلامی برای پروژه‌هایی که تأمین مالی آن توسط بانک در کشورهای اسلامی انجام می‌شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت و پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه پنجره تأمین مالی جدی با نرخ ترجیحی برای کشورها ایجاد شود، مورد تأیید اعضا قرار گرفت.

وی افزود: قرار شد که بار مالی ناشی از این پنجره مالی توسط کشورهای که جزو سهامداران این بانک هستند و جمع‌بندی اقتصادی مناسبی در حوزه اقتصاد کلان دارند، تأمین شود و در نتیجه بتوانیم شاهد این باشیم که در سال آینده بانک توسعه اسلامی برای نخستین بار از روش‌های تأمین مالی ترجیحی هم به عنوان یک پنجره تشویقی و ترجیحی استفاده کند.

وزیر اقتصاد در توضیح بیشتر تأمین مالی ترجیحی متذکر شد:

حق بهره‌مندی از ثبت ازدواج، حقوق مالی و ارث و دیگر حقوق قانونی دیگر را دارند. در ازدواج سفید، این حقوق به صورت قانونی تضمین نمی‌شود و زوجین در مواجهه با خطرات حقوقی بیشتری قرار می‌گیرند. و جدای از آن به سبب فعل حرام می‌توانند مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

یکی از خسارات ازدواج سفید، عدم تعهد رسمی زوجین به یکدیگر است. زیرا در این نوع ازدواج، توافق نامه و قراردادی مشخص برای ارتباط دو طرف وجود ندارد و بنابراین هیچ تعهد قانونی برای حفظ وفاداری و پایداری ازدواج وجود ندارد.

نقص در پشتیبانی اجتماعی ازدواج سفید در اجتماعات بسیاری به عنوان غیرقابل قبول و نامتعارف در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، زوجین ممکن است با مخالفت یا نگرانی اعضای خانواده، جامعه و همسایگان خود مواجه شوند. این مشکل می‌تواند رابطه را به طور قابل توجهی تحت فشار قرار داده و در نهایت باعث شکست آن شود.

عوارض روانی و اجتماعی ازدواج سفید عوارض روانی و اجتماعی برای زوجین به همراه دارد. این عوارض می‌تواند شامل اضطراب، احساس عدم امنیت، احساس تنهایی و عزت نفس باشد.

عوارض روانی و اجتماعی ازدواج سفید عوارض روانی و اجتماعی برای زوجین به همراه دارد. این عوارض می‌تواند شامل اضطراب، احساس عدم امنیت، احساس تنهایی و عزت نفس باشد.

عوارض روانی و اجتماعی ازدواج سفید عوارض روانی و اجتماعی برای زوجین به همراه دارد. این عوارض می‌تواند شامل اضطراب، احساس عدم امنیت، احساس تنهایی و عزت نفس باشد.

عوارض روانی و اجتماعی ازدواج سفید عوارض روانی و اجتماعی برای زوجین به همراه دارد. این عوارض می‌تواند شامل اضطراب، احساس عدم امنیت، احساس تنهایی و عزت نفس باشد.

عوارض روانی و اجتماعی ازدواج سفید عوارض روانی و اجتماعی برای زوجین به همراه دارد. این عوارض می‌تواند شامل اضطراب، احساس عدم امنیت، احساس تنهایی و عزت نفس باشد.

هستند. متأسفانه همین مشکل باعث می‌شود بدون تعهد قانونی و رسمی، زندگی زناشویی فرزندانشان به مشکل خورده و نسل‌های آینده نیز تحت تأثیر قرار بگیرند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات ازدواج سفید این است که عدم اعتماد و ثابت قدمی در رابطه وجود دارد. در اینچنین وضعیتی والدین نگران می‌شوند که فرزندان در صورت وقوع مشکلات، ازدواج سفید، دچار تنش‌ها و تغییرات زیادی در رابطه زناشویی خود شوند که تبعات ناخواسته و پایداری می‌تواند به همراه داشته باشد.

حقوق فرزندان: در صورت ازدواج سفید، علاوه بر بحث نامشروع بودن فرزند که هم مشکل جدی عقیدتی دارد هم فرهنگی، حقوق فرزندان نیز به طور قانونی تضمین نمی‌شود. این معضل، به مشکلات و سختی‌ها در برهمکنش و مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزندان منجر می‌شود. همچنین، در صورت جدایی والدین، فرزندان نیز در مواجهه با مشکلات حقوقی و مالی قرار می‌گیرند.

تبعات ازدواج سفید چیست؟ حقوق مسکن: زوج‌هایی که ازدواج سفید را انتخاب می‌کنند، ممکن است به حمایت‌های قانونی برای تقسیم وراثت مسکن و دیگر دارایی‌ها دست نیابند. این موضوع می‌تواند در صورت وقوع مشکلات بین زوج‌ها، نسبت به تقسیم مناسب دارایی‌ها و مسائل مالی موجب اختلافات و مشکلاتی شود.

حقوق فرزندان: در صورت ازدواج سفید، علاوه بر بحث نامشروع بودن فرزند که هم مشکل جدی عقیدتی دارد هم فرهنگی، حقوق فرزندان نیز به طور قانونی تضمین نمی‌شود. این معضل، به مشکلات و سختی‌ها در برهمکنش و مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزندان منجر می‌شود. همچنین، در صورت جدایی والدین، فرزندان نیز در مواجهه با مشکلات حقوقی و مالی قرار می‌گیرند.

حقوق فرزندان: در صورت ازدواج سفید، علاوه بر بحث نامشروع بودن فرزند که هم مشکل جدی عقیدتی دارد هم فرهنگی، حقوق فرزندان نیز به طور قانونی تضمین نمی‌شود. این معضل، به مشکلات و سختی‌ها در برهمکنش و مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزندان منجر می‌شود. همچنین، در صورت جدایی والدین، فرزندان نیز در مواجهه با مشکلات حقوقی و مالی قرار می‌گیرند.

حقوق فرزندان: در صورت ازدواج سفید، علاوه بر بحث نامشروع بودن فرزند که هم مشکل جدی عقیدتی دارد هم فرهنگی، حقوق فرزندان نیز به طور قانونی تضمین نمی‌شود. این معضل، به مشکلات و سختی‌ها در برهمکنش و مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزندان منجر می‌شود. همچنین، در صورت جدایی والدین، فرزندان نیز در مواجهه با مشکلات حقوقی و مالی قرار می‌گیرند.



قائل نشده، تبعات اجتماعی آن اجتناب‌ناپذیر است.

حالی که جامعه اسلامی ما و در قانون که این رابطه زنا است و فرزند حاصل از این رابطه مشروعیت قانونی ندارد؛ چراکه نمی‌توان نسبت فرزند او با پدرش را ثابت کرد.

در واقع بیشترین لطمه را فرزندان این نوع روابط می‌خورند چون آینده‌مهمی دارند. بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی که پس از سقط جنین غیرقانونی برای زن ایجاد می‌شود از دیگر مشکلات این معضل اجتماعی است. در چنین ازدواج‌هایی چون طرفین تعهدی به یکدیگر ندارند هرآن احتمال دارد که یک کدامشان از شرایط موجود اظهار نارضایتی کند و به راحتی از رابطه بیرون بیاید. تبعات شکست عاطفی و روحی این رابطه بسیار زیاد و جدی است. همچنین از نظر قانونی این رابطه جرم است فرد

قائل نشده، تبعات اجتماعی آن اجتناب‌ناپذیر است.

حالی که جامعه اسلامی ما و در قانون که این رابطه زنا است و فرزند حاصل از این رابطه مشروعیت قانونی ندارد؛ چراکه نمی‌توان نسبت فرزند او با پدرش را ثابت کرد.

در واقع بیشترین لطمه را فرزندان این نوع روابط می‌خورند چون آینده‌مهمی دارند. بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی که پس از سقط جنین غیرقانونی برای زن ایجاد می‌شود از دیگر مشکلات این معضل اجتماعی است. در چنین ازدواج‌هایی چون طرفین تعهدی به یکدیگر ندارند هرآن احتمال دارد که یک کدامشان از شرایط موجود اظهار نارضایتی کند و به راحتی از رابطه بیرون بیاید. تبعات شکست عاطفی و روحی این رابطه بسیار زیاد و جدی است. همچنین از نظر قانونی این رابطه جرم است فرد

قائل نشده، تبعات اجتماعی آن اجتناب‌ناپذیر است.

حالی که جامعه اسلامی ما و در قانون که این رابطه زنا است و فرزند حاصل از این رابطه مشروعیت قانونی ندارد؛ چراکه نمی‌توان نسبت فرزند او با پدرش را ثابت کرد.

در واقع بیشترین لطمه را فرزندان این نوع روابط می‌خورند چون آینده‌مهمی دارند. بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی که پس از سقط جنین غیرقانونی برای زن ایجاد می‌شود از دیگر مشکلات این معضل اجتماعی است. در چنین ازدواج‌هایی چون طرفین تعهدی به یکدیگر ندارند هرآن احتمال دارد که یک کدامشان از شرایط موجود اظهار نارضایتی کند و به راحتی از رابطه بیرون بیاید. تبعات شکست عاطفی و روحی این رابطه بسیار زیاد و جدی است. همچنین از نظر قانونی این رابطه جرم است فرد

پیشنهاد ایران به بانک توسعه اسلامی برای تأمین مالی با نرخ ترجیحی تأیید شد

عمان برای همکاری دو جانبه و مشترک بین تهران و مسقط از پیگیری‌هایی که بعد از سفر پادشاه عمان به ایران انجام شد، ابزار رضایت کرده و علاقمندی قادر خواهد بود که نقش اساسی ایفا کند و جمهوری اسلامی ایران نیز با به اشتراک گذاشتن دانش و تجربیات خود آمادگی خود را برای همکاری با بانک و کشورهای عضو اعلام می‌دارد.

به صورت جدی مورد توجه بانک قرار گیرد. وی ادامه داد: بی تردید گروه بانک توسعه اسلامی به عنوان یک بانک پیشرو در امت اسلامی قادر خواهد بود که نقش اساسی ایفا کند و جمهوری اسلامی ایران نیز با به اشتراک گذاشتن دانش و تجربیات خود آمادگی خود را برای همکاری با بانک و کشورهای عضو اعلام می‌دارد.

به اهداف ارزشمند خود یعنی همبستگی و شکوفایی دست یابد.

به اهداف ارزشمند خود یعنی همبستگی و شکوفایی دست یابد.

به اهداف ارزشمند خود یعنی همبستگی و شکوفایی دست یابد.

چرا «سیندرلا» بعد از ۵۰ سال هنوز جذاب است؟ شوراهای ممیزی بچه‌ها را نمی‌شناسند



سیدجواد هاشمی با بیان اینکه فیلم «شهر گربه‌ها ۲» را در تابستان اکران می‌کنند، گفت: جای پرسش است که چرا پس از ۵۰ سال هنوز خانواده‌ها برای بچه‌های خود «سیندرلا» پخش می‌کنند و از آن سو عده‌ای همچنان مخالف وجود تفکر و شادی در فیلم کودک و نوجوان هستند.

این کارگردان و بازیگر در گفت‌وگویی با اقتصاد جوان نیوز، درباره سرنوشت فیلم «شهر گربه‌ها» و اکران آن در فصلی که مخاطب بیشتری می‌تواند داشته باشد بیان کرد: این فیلم را در نوبت اکران گذاشته‌ام و امیدوارم تابستان آن را روی پرده سینماها ببرم. البته «شهر گربه‌ها ۲» با تغییرات اساسی که مورد قبول دوستان قرار بگیرد آماده می‌شود چون چهار سال درگیر ممیزی بود، ما با ماجرا کنار آمدیم تا بتوانیم پروانه نمایش بگیریم.

آیا جای سوال نیست که چرا فیلم‌های کودک داخلی در مقابل آثار خارجی برای خانواده‌ها جذاب نیست؟

او افزود: اتفاق‌های جدیدی در فیلم رخ داده است و من به دلیل آنکه یک سرمایه‌گذار و شریک داشتم که به هر حال انتظار دارد هرچه سریع‌تر پول رفته را برگرداند، باید اقدامی می‌کردم. در حال حاضر ساخت «شهر گربه‌ها» ۳۰ میلیارد تومان هزینه می‌برد و فیلم باید ۹۰ میلیارد تومان بفروشد که

برای بچه‌های خود بعد از ۵۰ سال «سیندرلا» می‌گذارند که ببینند ولی فیلم‌های ساخته شده‌ی این دوران برایشان جذاب نیست!

می‌گویند کار برای بچه‌ها بازگشت سرمایه ندارد

کارگردان فیلم‌های «تورنادو» و «پیشونی سفید» با اشاره به برخی تولیدات تلویزیونی و با بیان اینکه «بچه‌ها برنامه‌هایی را که مدام ممیزی می‌شوند نگاه نمی‌کنند»، در پاسخ به اینکه آیا ترغیب نشده سوال است که چرا فیلم‌هایی از نسل باب اسفنجی و شرک باید اینقدر طرفدار داشته باشد یا خانواده‌ها هنوز

توجه نمی‌کنند که بچه‌های ما خوراکی ندارند و این یک واقعیت است. خود من چهار سال است که در تلاشم سریال «آهوی پیشونی سفید» را بسازم و مطمئن هستم که بچه‌ها هم آن را خواهند دید؛ منتها تولید آن هزینه دارد و دوست ندارم سریالی بسازم که از فیلمش ضعیف‌تر باشد. در این زمینه چند بار با فیلیمو جلسه برگزار کرده‌ایم و به پیش تولید هم رسیدیم ولی کار متوقف شد چون اگر قرار باشد آن را بسازم باید کار خوب تولید کنم

و زیر بار نرفتم، تا کاری دور از شأن بچه‌های این سرزمین ساخته نشود. هاشمی افزود: متأسفانه کسی توجه نمی‌کند که بچه‌های ما خوراکی ندارند و این یک واقعیت است. خود من چهار سال است که در تلاشم سریال «آهوی پیشونی سفید» را بسازم و مطمئن هستم که بچه‌ها هم آن را خواهند دید؛ منتها تولید آن هزینه دارد و دوست ندارم سریالی بسازم که از فیلمش ضعیف‌تر باشد. در این زمینه چند بار با فیلیمو جلسه برگزار کرده‌ایم و به پیش تولید هم رسیدیم ولی کار متوقف شد چون اگر قرار باشد آن را بسازم باید کار خوب تولید کنم

ترافیک سریال‌های نمایش خانگی در پایان هفته

ندارم. اگرچه پیشنهادهایی داشتم؛ مثلاً رئیس قبلی بنیاد سینمایی فارابی پیشنهاد ساخت فیلمی را به من داد درباره چند کودک سرطانی که حتی در فیلمنامه زنده نمی‌مانند. من حاضر نشدم این فیلم را بسازم. داستان فیلم اگرچه خوب بود اما ارتباطی به بچه‌ها نداشت. تمام این‌ها در حالی است که شنیدم بیش از ۴۰ هزار سناریو در کمپانی دیزنی وجود دارد که ساخته نشده و همه هم خوب هستند اما آن‌ها فقط به دنبال ساخت بهترین فیلمنامه هستند. این نشان می‌دهد آن‌ها چقدر نسبت به بچه‌ها و اینکه فیلم بدون تماشاگر نماند حساس هستند در حالی که ما اصلاً به این موضوع توجه نمی‌کنیم.

او افزود: در این بین فیلم‌های انیمیشن بسیار هزینه دارند و هرچه پول فروش آن‌ها زیاد باشد باز هم هزینه‌های آن برگشته است، با این حال این فیلم‌ها بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرند و مدارس هم موظف به بردن بچه‌ها به تماشای این فیلم‌ها می‌شوند اما باز هم آن فروش لازم اتفاق نمی‌افتد. این‌ها در حالی است که من بدون هیچ حمایت و اکرانی فیلم ساختم اکران کردم و در سینمای خصوصی تا این لحظه نفس کشیدم. تنها دلخوشی من همین است که بچه‌ها مرا در خیابان می‌بینند و می‌گویند عمو ما «آهوی پیشونی سفید» را دیدهایم؛ فیلمی که من آن را سال ۹۰ ساختم و برابم بسیار خوشحال‌کننده است که ۱۳ سال بعد هنوز دیده می‌شود.

و امیرحسین فتحی با هنرمندی نازنین بیاتی، فرزند حسنی، عباس جمشیدی‌فر، شهرام قاندی، نگار فروزنده، شهروز دل‌افکار در کنار فرهاد آئیش، امیر دژاکام و بهادر زمانی از جمله چهره‌هایی هستند که در «قطب شمال» نقش آفرینی کرده‌اند.

در خلاصه داستان این درام پرماجرا آمده: همایون و ارغوان در آستانه ازدواج، قربانی خیانتی هولناک می‌شوند. همایون پشت دیوارهای زندان برای انتقام از سامان لحظه‌شماری می‌کند که مرگ از راه می‌رسد. آرشام یکتا متولد می‌شود و دختری به نام صحرا کنارش قرار می‌گیرد تا مسیر انتقام از خائنین برای آرشام هموار شود. سریال جنگل آسفالت به کارگردانی پژمان تیمورتاش جمعه‌ها از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود.

سریال «جنگل آسفالت» به کارگردانی پژمان تیمورتاش در این سریال نوید محمدرزاده، امیرجعفری، مریلا زارعی، فرشته حسینی، علیرضا جعفری، ریما رامین فر، نازنین فراهانی، مجید آقاقریمی، دیبا زاهدی، معین شاهچراغی، یسنا میرطهماسب، امین میری، عرفان ابراهیمی، مرجان اتفاقیان، نادر پورمهین، حسین فلاح، محسن بهرامی، حدیث نظری، محمدرضا فتحی به ایفای نقش می‌پردازند و در این سریال حضور دارند. در خلاصه داستان این سریال آمده است: توی جنگل یا باید جنگیدن بلد باشی یا فرار کردن. جای ترسیدن نیست...

منبع: ایرنا



جمعه شلوغ‌ترین روز سریال‌های نمایش خانگی است. چرا که سه سریال قطب شمال، جنگل آسفالت و امرلی در این روز منتشر می‌شوند. قطب شمال به کارگردانی امین محمودی یکتا و تهیه‌کنندگی اکبر تحویلین عنوان جدیدترین سریال شبکه نمایش خانگی است که پخش آن از جمعه ۷ اردیبهشت ساعت ۸ صبح آغاز شد.

سریال «قطب شمال» به کارگردانی امین محمودی یکتا فرزند فرزین، آنایتا درگاهی

الخروج شده و این اتفاق زیر سر دایی محسن است، پس باید دنبال راه چاره‌ای باشد...

سریال «افعی تهران» ساخته سامان مقدم سریال کم‌دی اکازیون به کارگردانی سید مسعود اطیابی از یک فروردین روزهای چهارشنبه در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود.

سریال ۸ قسمتی اکازیون که فیلمنامه آن را حمزه صالحی نوشته، داستان رحیم است که قصد دارد برای ادامه تحصیل به کانادا برود اما متوجه می‌شود ممنوع

پیمان معادی و پویا مهدوی‌زاده و کارگردانی سامان مقدم است که هر چهارشنبه از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود. معادی نقش اصلی سریال را بازی کرده است.

داستان این سریال ماجراهای یک کارگردان سینما است که درگیر پرونده قتلی می‌شود.

سحر دولتشاهی، آزاده صمدی، پژمان جمشیدی، مریلا زارعی، هومن سیدی، مهسا حجازی، بهادر مالکی، به‌افزید غفاریان، نیلوفر کوخانی، تورج اصلانی، امیراحمد



از میان ۶ سریالی که هم‌اکنون در شبکه نمایش خانگی در حال پخش است، ۳ سریال روز جمعه و ۲ سریال روز چهارشنبه را برای انتشار انتخاب کرده‌اند. نظم بخشیدن به جدول انتشار سریال‌های نمایش خانگی و توزیع آنها در سایر روزهای هفته ضرورتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش پایگاه خبری اقتصاد جوان، جنگل آسفالت، اکازیون، افعی تهران، امرلی و شهر هرت جزو سریال‌های فعال شبکه نمایش خانگی هستند که هر هفته با قسمت‌های جدید همچنان خانه‌های بینندگان می‌شوند. به این فهرست باید قطب شمال را هم اضافه کرد که انتشارش را از جمعه، ۷ اردیبهشت آغاز کرده است.

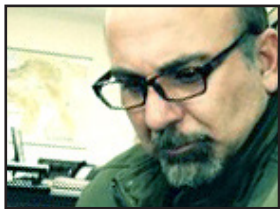
جدول انتشار این سریال‌ها نشان می‌دهد که سریال‌سازان و پلنفرم‌ها به روزهای آخر هفته علاقه زیادی دارند. در روز جمعه سه سریال قطب شمال، جنگل آسفالت و امرلی عرضه می‌شوند. پیش از این نیز سریال گناه فرشته روزهای جمعه منتشر می‌شد.

بسیاری از بینندگان به دو دلیل علاقه دارند سریال‌ها را به محض انتشار تماشا کنند. آنها از یک سو مشتاق هستند که در اولین فرصت از ادامه قصه مورد علاقه‌شان مطلع شوند. از سوی دیگر نگران هستند که داستان در فضای مجازی اسپویل شود و لو برود. نظم بخشیدن به جدول انتشار سریال‌های نمایش خانگی و عرضه آنها در سایر روزهای هفته می‌تواند این نگرانی را برطرف کند. فعلاً در روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه هیچ سریالی منتشر نمی‌شود. در ادامه این گزارش

در این سریال بازیگرانی چون علی صادقی، کیمیا باباییان، میرطاهر مظلومی، رضا شفیعی‌جم، یوسف صیادی و... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

این سریال به تهیه‌کنندگی داریوش بابائیان، داستانی طنز و تاریخی را روایت می‌کند که حول محور شخصیتی به نام حاج آقا (با بازی رضا شفیعی‌جم) می‌چرخد. حاج آقا که به عنوان یک زمین‌خوار

باز باران با ترانه



دنیای جوانان/ ناظم رام

اسم استان گیلان که به میان می آید، یاد کوچه و چای لاهیجان ناخودآگاه به میان می آید و به یاد مرداب انزلی و جنگل های فومنات و ... استانی گیلان پر است از دیدنی ها و سرسبزی و جنگلهای فراوان.

آب بازی (آب پاشان، آبریزان، تیرماسیزه)

از مراسم متداول گیلان در گذشته، آب بازی بود که امروز کمتر اثری از آن می توان یافت. این جشن در شرق گیلان و غرب مازندران به «تیرماسیزه» به معنی سیزدهم ماه تیر مشهور شده و احتمالاً همان تیرگان است. در فرهنگ ایران پیش از اسلام روز سیزدهم هر ماه تیر نام داشت و روز سیزدهم تیر را جشن می گرفتند. این مراسم به «آبریزان» یا «آب پاشان» نیز معروف بود. جشن آبریزان تا عهد شاه عباس در طبرستان و گیلان برقرار بود و سپس به تدریج از یاد رفت. از مراسم دیگر این روز فال گیری و «لال شوش زنی» است. در این مورد، بزرگ خاندان بر بدن اهل خانه و دام ها و نیز به در و دیوار و همه چیز خوب می زد و خاموشی اهل خانه در برابر ضربات ترکه چوب، به باور آنها باعث برکت و رونق اقتصادی و معیشتی آنان می شد.

آینه تکم

یکی دیگر از مراسم قبل از سال نو، اجرای یک نمایش عروسکی به نام «آینه تکم» است که در نواحی غربی استان گیلان انجام می شد. «تکم چی ها» از آذربایجان به نقاط هشتری و حتی انزلی و رشت می آمدند و پیام آور رسیدن سال نو و نوروز می شدند.

«تکم» عروسکی به شکل بز بود که به دسته ای متصل می شد و آن را با پارچه ها و منقوح های رنگی و پر می آراستند و با بالا و پایین بردن دسته ای که از میان چوبی سوراخ دار می گذشت، آن را به حرکت و جنبش وای می داشتند. در کنار این نمایش با صدای دو چوب که به هم می خورد و آهنگی شاد را تداعی می کرد، تکم چی ها ترانه هایی خوش آهنگ می خواندند.

بندبازی (لافندبازی)

بندبازی از نمایش های سنتی گیلان که بیشتر در جشن هایی مثل عروسی، عید نوروز و یا در بازارهای هفتگی اجرا می شد، بندبازی است. در گیلان به آن «لافندبازی» نیز گفته می شود و مانند همان بندبازی در سیرک است. نمایش بر روی طنابی که از روی دو میله فلزی و چوبی محکم و ضربداری شکل گذشته و در دو طرف مهار شده، انجام می شود. اصلی ترین فرد نمایش «پهلوان» نام دارد که بر روی طناب ها با پای برهنه راه می رود و برای تعادل خود چوبی بزرگ به نام لنگر در دست می گیرد. پهلوان با ایستادن داخل تشت و یا قایلمه بر روی طناب راه می رود. گاه با دوچرخه ای که لاستیک آن را برداشته اند فواصل دو تیر را می پیماید. قرار دادن صندلی داخل یک سینی و نشستن روی صندلی و حفظ تعادل در همان حالت، از جمله عملیات دشوار این افراد است. در پایین طناب شخصی که لباس مستخرای پوشیده و به «یالانچی پهلوان» مشهور است با لودگی و مسخرگی قدیمی ترین سندی است که به چنین نمایشی در گیلان اشاره دارد. فرمانی است نوشته بر روی سنگ مرمر قهوه ای و به خط نستعلیق بر ایوان ورودی مسجد جامع لاهیجان که به دستور «سلمان حسین صفوی» نگاشته شده و طی آن اهالی را

کشتی گیله مردی

این کشتی که امروزه همچنان



در کنار همه زیبایی های خدادادی این استان و تاریخ کهن این خطه . می توان به آداب و رسوم قدیمی مردمان گیلان پرداخت.

گسترده‌گی رسوم و خصلت های فرهنگی گیلانیان با توجه به تعدد قومی و گوناگونی لهجه ها به حدی است که حتی آشنایی مختصر با آن



که حیوان به دام می افتاد درهای لانه ها را می بستند.

وقتی که گرازها، گرگ ها، شغال ها و ... در این لانه ها محبوس می شدند، گوزن ها که نمی توانستند از دالان به لانه ها راه یابند با ضربات پیکان و تیر کشته می شدند. والی و بزرگان دولت آنگاه روی صفا آمده و برای گشودن در لانه ها فرمان می دادند، به نحوی که تنها یک گراز می توانست در آن واحد خارج شود. در این موقع مردی جوان برای ورود به محوطه انتخاب می شد و هنگامی که گراز به طرف جوان حمله ور می شد او با یک ضربه گراز را از پای در می آورد. شاه عباس صفوی پس از تسخیر گیلان چند بار چنین شکارهایی را ترتیب داده بود. در سال ۱۰۰۳ هـ.ق عملیات شکاری توسط او با ۱۰ هزار مأمور تعقیب شکار انجام شد. در ۱۰۲۳ هـ.ق شاه عباس بار دیگر به گیلان آمد و به فرمان ۳۰۰ هزار نفر مأمور تعقیب شکار از نواحی بیه پس و بیه پیش کرد آمدند و برای تعقیب شکار به جنگل رانگوه اعزام شدند. در این شکار تعداد بسیار زیادی از حیوانات وحشی کشته شدند. این شکار چنان مقبول طبع شاه افتاد که با وجود مرگ ۲۷۰۰ نفر از مأموران، از پایان دادن شکار امتناع ورزید. پس از سقوط فرماندهان: گیلان: و تک بادبدها،



ورزا جنگ

از رسوم و نمایش های دیرین گیلان و بعضی از نقاط ایران، جنگ گاهای تر است. در گیلان به آنها «ورزا» یا «ورزو» گفته می شود. گاهوهای جنگی معمولاً توسط ملاکین یا روستاییان مرفه نگهداری می شدند و فقط به درد مبارزه و جفت گیری می خوردند. این گاهوا از شاخ های محکم خوددارند که وسیله دفاع و حمله آنهاست. کوهان پشت ورزها و آنها صلابتی می بخشد که هنرمندان



از ارتکاب اعمال خلاف بازداشته و امر به تادیب و تنبیه خلافکاران کرده است. این فرمان که تاریخ ۱۱۰۶ هـ ق را دارد مردم را از کبوتر پرانی، گرگ دوانی و نگهداری گاو و قوچ و سایر حیوانات به منظور جنگ با یکدیگر بازداشته و این اعمال را ممنوع شمرده است.

چوگان بازی

این بازی که توسط اسب سواران انجام می شد اولین بار در زمان شاه عباس صفوی به هنگامی که لاهیجان را فتح



نمود در گیلان مورد توجه قرار گرفت. پس از فرار «خان احمدخان» آخرین حاکم کیای بیه پیش، ملک موروثی او به دست صفویان افتاد. به دستور شاه عباس باغ بزرگ او را برای ایجاد زمین این بازی خراب کردند و از آن پس این محل به سیزه میدان مشهور شد. پولو (polo) کلمه ای انگلیسی مأخوذ از واژه ای تیبسی و به معنی چوگان است.

چاه نخچیر

حکام قدیم گیلان به شکار علاقه

در این مختصر نمی گنجد.

بعضی از آداب و آیین های مردمی گیلان به مرور در همه‌مه زندگی شهری رو به فراموشی و برخی دیگر کم رنگ شده است. اینک شرح مختصر و موجز برخی از آیین آداب و رسوم خواهد آمد:

خویش و آرزوی سالی پربرکت و پرینم برای صاحبخانه، از او هدایایی دریافت می کردند.

گل گل چهارشنبه

از دیگر مراسم کهن ایرانیان که در گیلان هم با بعضی تغییرات جزئی به آن می پردازند، «چهارشنبه سوری» است که در غروب آخرین سه‌شنبه سال و در شب چهارشنبه انجام می‌شود. به این منظور خار، بوته، گون و گاه جمع آوری می‌شد و با درست کردن پشته‌هایی که معمولاً رو به سمت قبله می‌نهادند و سپس آتش زدن آنها، از روی آتش می‌پریدند و هنگام پریدن با خوشحالی می‌خواندند:

گل گل چهارشنبه به حق پنج‌شنبه زردی بشه، سرخی بایه تکبیت بشه، دولت بایه

یعنی: ای شعله آتش چهارشنبه، به حق پنج‌شنبه، زردی و ضعف و بیماری رخت برینند و نویت سرخی و نشاط و خرمی فرا رسد. دوره نکبت و ناگامی به سر آید و دولت و اقبال روی نماید. این سنت که از روزگار زرتشت و حتی جلوتر بر جای مانده، در دوران اسلامی با اعتقادات مردم در هم آمیخته و رنگ و بویی دینی گرفته است. دود کردن اسپند هم از این رسوم است که به هنگام دود کردن آن زمزمه می‌کردند:

سیزده سال

آخرین مراسم نوروز، سیزده سال است. در این روز مردم گیلان بیشتر به کنار رودخانه‌ها و در دل جنگل‌ها می‌روند و به صورت گروهی، آخرین روز نوروز را گرامی می‌دارند. دختران گیلانی در این روز سبزه گره می‌زنند. این مراسم معمولاً با بندبازی، کشتی گیله‌مردی و ناوختن ساز و نقاره همراه است.

شب چله

شب چله از مراسم باستانی ایران، در گیلان هم از منزلت خاصی برخوردار است. شب اول دی‌ماه هر سال را اهل خانواده و خویشان، و گاه همسایها گرد هم می‌آیند تا آیین شب چله را برگزار نمایند. برای مراسم شب چله، معمولاً خورده‌ها و نقلات و آجیل زیادی فراهم می‌آورند. هندوانه به سفزه این شب رنگ و بویی دیگر می‌بخشد و به قوی اگر هر کس در شب چله هندوانه بخورد، در تابستان احساس تشنگی نمی‌کند. یکی از ترانه‌هایی که در این شب زمزمه می‌شود، چنین است:

ازدواج

برای تشکیل خانواده، حضور زوجی که خواهان یکدیگرند، عامل تعیین کننده است. در گیلان، به خصوص همپای زنان و مردان در امور معیشتی، ارتباط و آشنایی‌های اولیه از برخورداری ساده و روزمره اهالی آغاز می‌شود. با توجه به گسترش فعالیت‌هایی که در گیلان است. نوروزخوانی که هم اکنون نیز کم و بیش رواج دارد، در گیلان نماد ورود بهار و خیر و برکت است. برای این کار گروهی از نوروزخوان در کوچه و خیابان به راه می‌افتند و آشناری می‌خوانند. از معروف‌ترین این اشعار می‌توان به «دوازده امام» و «عروسی گوله» اشاره داشت. اغلب نوروزخوانان نخست دوازده امام را می‌خوانند و وقتی به قسمت ترجیع‌بند می‌رسند، آن را دو نفری تکرار می‌کنند و بعد نوروز و نوسال می‌خوانند. این شعر چنین آغاز می‌شود:

عروسی گوله

نمایش «عروسی گوله» نیز از دیگر مراسم قبل از حلول سال نو به شمار می‌رفت. این نمایش همراه با آواز ریمتیک دارای مفاهیم اخلاقی و آیینی خاصی بود. بازیگران این نمایش معمولاً سه نفر بودند و به نقش غول، پیربابو و نازخانم ظاهر می‌شدند. نقش نازخانم را بیشتر مواقع پسر جوانی که لباس زنانه پوشیده بود اجرا می‌کرد. پیربابویا کوسه نقش پیرمردی بود که با غول بر سر تصاحب نازخانم به بحث و جدل می‌پرداخت. غول هم خود را با کلاهی از کلوش (ساقه برنج)، زنگوله‌ها و چماق به هیبتی عجیب می‌آراست. این گروه به منازل مختلف رفته، به ایفای نقش خود می‌پرداختند و در ازای تعینت‌گویی

نان، قوت لایموت-۳

تنوع جغرافیایی و قومی ایران بقدری است که هر استان در کنار آداب و رسوم قومی خویش غذاها و شیرینی ها و نان های خاص خود را دارند.

در این ستون می خواهیم انواع غذاها و نان های محلی هر استان را به تفکیک برای خوانندگان معرفی کنیم. تا بیشتر از پیش با غذاها و نان های محلی هر استان و هر شهر آشنا شوند.

نان محلی مازندران

کشتا (لاسونان):

از معروفترین نانهای عمومی گیلان زمین است. آرد این نان از مخلوط آرد برنج و گندم تهیه میشود و بدین ترتیب که خمیری خیلی شل از آرد برنج الک ریز شده و اندکی نمک و آب جوش تهیه میکنند خمیر مذکور را که «کراته» نام دارد مانند شامی گرد و پهن کرده و داخل آب در حال جوشیدن میاندازیم تا عمل «لاسونی» انجام گیرد پس زمان کوتاهی آنرا در میاوریوم و لاسو را در آبکش قرار میدهیم کمی که خنک شد با اضافه کردن کمی آرد گندم دوباره روز مدهیم تا خمیر سفتتری بدست آید.

کدوونان (کوبی نون):

آرد برنج الک ریزه شده را با کدو حلوائی له شده مخلوط میکنند و کمی تخم شنلیله ساییده شده و نمک به آن میزنیم اگر خمیر زیاد از حد سفت شد کمی آب کدو پخته اضافه میکنند (البته برخی ته استکان آب جوش میافزایند) و خمیر را روز مدهیم گلوله میکنند و روی آنرا پارچه تمیز میکشیم و پس از نیم ساعت وردنه یا نانچو زده و روی توله گلی داغ دو طرفش را یکی پس از دیگری میپزیم.

نان خوله:

یکی از نانهای معروف در شرق گیلان است شبیه کشتا با این تفاوت که در آن ساییده خُلقه دانه که از عطرانها قابل تهیه است ریخته میشود. این نان هنگام پختن روی توله مثل بادکنک باد میکنند که اغلب روی آن نوخون میگذاردند تا دو لایه فوالتی و تحناتی نان از هوا خالی شود سپس توسط نانوا دو طرفش چند لحظه روی شعله مستقیم آتش زیر توه گرفته میشود تا کمی سوخته به نظر آید. لطف خوردن این نان به نشستن در کنار نانوا و دیدن مراحل پخت آن است که عموماً برای کسانی که این مراحل را ندیده‌اند و خصوصاً کودکان جالب برنظر میرسد.

نان برنجی:

اصلیترین نانی که در گیلان تنها از آرد برنج تهیه میشود نان برنجی است. در نانهای برنجی اگر از جنس برنجهای غیر مرغوب استفاده شود به سرعت بیات و غیرقابل استفاده میگردد به همین منظور از مقادری برنج که غالباً از گونه صدری یا بیام باشد در آب کم نمک خیس میکنند پس از

ساعتی برنج را از آبکش رد کرده روی پارچهایی پهن میکنند تا خیسی آن گرفته و دانهها فقط مرطوب یا اصطلاحاً «دو نم» شود.

برنج دو نمه را آسیاب کرده و از آن خمیری با کمی زردچوبه تهیه می‌کنند که به آن «کراته» میگویند. کراته را هم بزند «لاسو» میشود. لاسوها را خنک کرده زیر پارچه میگذاردند و بعد برخلاف خیلی از نانهای محلی که دایره شکند بصورت بیضی کشیده وردنه یا نانچو میزنند تا ضخامت آن یک تا دو میلیمتر برسد و بعد آنرا روی تور نانپزی وروی دیواره داغ گندنی شکل میچسباند تا بپزد.

لاکونان یا تخ تخی نان:

نوعی نان برنجی است با ضخامت بسیار کم که آنرا هوادهی و خشک میکنند مانندگاری این نان بسیار زیاد است بطوریکه بیشتر از یک ماه هم قابل مصرف میباشد. برای مصرف آنرا کمتر از ۱ دقیقه در آب می‌اندازند بعد روی پارچهایی تمیز پهن میکنند و رویش را هم پارچه میکشند بعد از ساعتی نان نرمی حاصل میشود که در فرهنگ آیینی مردم گیلان کاربردهای مختلف دارد مثل درست کردن مرغ لاکو، هفتاد و دو تن، رقاب حلوا که هر کدام در قسمتهای دیگر همین کتاب توضیح داده شد. در دیوشل (بین لاهیجان و لنگرود) جزئی از درآمد اقتصادی خانواده را خانمها با تهیه این نان و عرضه آن به کل استان تامین میکنند در این منطقه آنرا تخ تخی نان میگویند و این نام بخاطر آن است که این نان پس از خشک شدن شکننده و دارای صدای تق تق در حال شکستن میباشد.

نان لاکوی غرب گیلان:



در اطراف شفت و برخی نقاط غرب گیلان آرد برنج را با زرد چوبه وآب ووز می دهند وبه شکل پولک تو خالی در می آورند ومی پزند و دوباره با آرد گندم خام ووز می دهند تا طعم شیرین گندم بگیرد سپس باز میکنند ومی گذارند پشت گنج داغ و با « فوکو» وسیله ای گلی شبیه به گوشت کوب که زیرش نقوش لوزی دارد می کوبند تا ناز کتر شده وپبزد و به آن نان لاکو می گویند. شاید این نام بخاطر کوبیدن لایه خمیر باشد.

این نان را لول کش (نازک شده با لوله) یا کرچه نان هم درست میکنند که روی آن شکر و زیره ساییده میریزند اما طرز تهیهاش همان است که در ردیف قبل توضیح داده شد.بعضاً آنرا دور لوله ایی مثل لقمه تو خالی می پیچند و لوله را می کنند و نان را خشک می کنندونگار هم بسته بندی کرده و راهی بازار فروش می کنند.

نان تمبجان:

همان نان لاکو یا تخ تخی است که در برخی مناطق شرق گیلان اینطور نامیده میشود. میگویند این اسم بخاطر عزیز بودن افرادی که تحت عنوان هدیه یا خیرات مثل مرغ لاکو یا هفتاد و دو تن و رناب برایشان نان پخته می شود نامگذاری شده است و معنی آن «تو می جان» به معنی «تو جان منی» میباشد که اینگونه تلفظ آن تغییر یافته است.اما محله ایی به همین نام هم بین سلمان و رودسر وجود دارد که عده ایی اعتقاد دارند خاستگاه این نوع نان بوده ودلیل نامگذاری آن صرفاً معطوف به این است. تنها تفاوت مصرف آن با لاکو یا لاکو یا تق تقی در اینست که لزوماً قبل از مصرف به آن آب میزنند ودر پارچه تمیز برای حفظ رطوبت نگهداری می کنند

اقتصاد جوان / ناظم رام

روستای ماخونیک یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز جهان است و به لحاظ شهرت آن به شهر «لی‌لی‌پوت‌ها» جذابیت‌های حیرت‌انگیزی دارد. از روستای ماخونیک تا افغانستان نیم ساعت فاصله است و مردم ماخونیک اصالتاً افغان هستند که در چند قرن پیش از افغانستان کوچ و ماخونیک را برای زندگی انتخاب کرده‌اند .

در برخی اسناد قدیمی‌که تاریخ نگارش آنها به ۳۰۰ سال قبل می‌رسد، نام روستا مادختیک ذکر شده‌است. گفته می‌شود در گذشته عده‌ای مأموران دولتی به این روستا آمده و اهالی به گرمی‌از آن‌ها استقبال نکرده‌اند و با آن‌ها برخورد سردی داشته‌اند و آن‌ها این نام را برای روستا انتخاب کرده‌اند. برخی می‌گویند به دلیل وجود شکافی در کوه نزدیک روستا به آنجا ماده ماخونیک گفته می‌شده که به مرور زمان به ماخونیک تغییر نام یافته‌است .

از شواهد چنین بر می‌آید که ساکنان روستا در ابتدا دامدار و کوچ‌نشین بوده‌اند و در دوره‌های بعد در منطقه ماخونیک و به ویژه در روستای ماخونیک سکونت گزیده‌اند، وجود سنگ‌نگاره‌ای در نزدیکی قنات ماخونیک که نقش‌های چوپانی و بسیار قدیمی روی آن نقش بسته نیز گواهی بر قدمت سکونت در ماخونیک است.

از آثار تاریخی ماخونیک می‌توان به سنگ سپاه ماخونیک، بنای برج و قلعه، برج گل انجیر، منزل سرگردونی و نادر مرده اشاره

کرد.

اگر چه بیشتر اهالی این روستا دارای قد متوسط و غالباً کوتاهی هستند ولی افراد قد بلند نیز بین آنها زندگی می‌کنند به نظر می‌رسد به دلیل اینکه درب خانه‌های اهالی این روستا بسیار کوتاه و باریک است این‌گونه تصور شده که مردم این روستا قد کوتاه هستند .

ماخونیک، روستایی نشستہ در مرز شرقی نقشه ایران زمین، در استان خراسان جنوبی واقع شده است...

فاصله این روستا از مرکز استان یعنی شهرستان بیرجند بیش از ۱۴۰ کیلومتر است و تا مرز افغانستان کمتر از ۶۰ کیلومتر راه باقی می‌ماند... هر چند ماخونیک یک روستای هدف گردشگری محسوب می‌شود و از شهرت زیادی برخوردار است اما ظاهر روستا چیز دیگری می‌گوید... مسیر دسترسی به روستای ماخونیک: از بیرجند به سمت شرق و شهرستان سربیشه و از آن جا به سمت روستای درح (**Dorh**) حرکت کرده و با انحراف مسیر به سمت شمال، با عبور از روستاهای توتک (**Totak**) و سفال بند(**Sofalband**)، به آخرین روستا یعنی ماخونیک می‌رسیم. فاصله ماخونیک از سربیشه حدود ۶۵ کیلومتر می‌باشد.

روستای ماخونیک، روستایی کوهستانی است که در دامنه کوهستان بنا شده است. هوای ماخونیک سرد است و در فروردین ماه هنوز سوز سرمای زمستان تا مغز و استخوان نفوذ می‌کند و برخی می‌گویند همین هوای سرد و خونیک دلیل نامگذاری

ماخونیک است...

شغل مردم روستا دامداری، کشاورزی و کار در معدن می‌باشد. در حاشیه روستا چند باغ کم درخت دیده می‌شود. کوهستانی بودن ماخونیک، باعث شده زمین‌های کشاورزی چندانی باقی نماند. روستا خلوت است و ما تنها گروه گردشگر حاضر در روستا هستیم. یکی از کودکان از همان ابتدا به سراغ ما می‌آید و درخواست پول می‌کند... بیشترین شهرت ماخونیک به اهالی کوتاه قد آن است و به همین جهت به روستای لی لی پوتی های ایران معروف شده است... مردان و زنان ماخونیک در گذشته بسیار کوتاه قد بوده‌اند و بر همین اساس معماری خانه های روستا متفاوت و عجیب و غریب بوده‌اند...

خانه‌ها شکل هندسی چندان منظمی ندارند و تقریباً هر خانه فرم و شکل متفاوتی دارد...

وارد یکی از خانه‌های قدیمی ماخونیک می‌شوم... تقریباً تا کمر خم شده‌ام تا وارد خانه شوم و درون خانه هم دائم مراقیم که سرم به جایی نخورد!

گفته می‌شود که در سال‌های نه چندان دور مردم ماخونیک با ورود هر گونه تکنولوژی جدید و وسایلی مانند تلویزیون و ... مخالفت می‌کرده‌اند و آن‌ها را گناه می‌دانسته‌اند.

آن چه که واضح است مردمان این روستا در عین سادگی و مهربانی، به شدت سنتی و متعصب هستند و به سختی از عادت‌های خود دور می‌شوند...

آداب و رسوم ساکنان روستا از نحوه قضاوت تا شیوه

ماخونیک، روستای لی لی پوتی

کشاورزی و از چگونگی تقسیم ارث تا بازی‌ها همگی از گذشته‌های دور جریان داشته و اغلب آنها دست نخورده باقی مانده است.

مهمترین ویژگی روستای ماخونیک بافت قدیم روستا است و در بافت قدیم روستا خانه‌های محقر خشتی گلی بدون حیاط و ایوان و پنجره و کیپ تا کیپ هم ساخته شده‌اند که هنوز بعد از گذشت سالها برخی از اهالی این روستا در این خانه‌های زندگی می‌کنند. خانه‌های ماخونیک بسیار کوچک و هرکدام حاوی یک اتاق ده یا دوازده متری هستند که با سنگ و خاک ساخته شده و سقف آن با شاخ و برگ درختان پوشیده شده و این خانه‌ها اغلب به جز یک در ورودی کوتاه هیچ منفذی رو به بیرون ندارند.

فاصله خانه‌ها در روستای ماخونیک از هم بسیار کم و بعضی به شکل طبقاتی و پلکانی ساخته شده‌اند که به نظر می‌رسد برای حفظ امنیت مردم منطقه اینگونه معماری رواج بوده است.

در گذشته مردم روستای ماخونیک شش‌الی هشت نفر در خانه دوازده متری زندگی می‌کردند که خانه‌ها غیر از در ورودی هیچ راهی به بیرون نداشته است.

ماخونیک به سرزمین لی لی پوتی‌ها ایران شهرت دارد چرا که در این روستا سبک زندگی مردمش، معماری خانه‌ها، آداب و رسوم و باورهای عجیب و غریب و انزوای چندصد ساله اش آن را به یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز جهان مبدل کرده است.

در روستای ماخونیک مردم تا ۳۰ الی ۴۰ سال پیش به

ابتدایی‌ترین شکل ممکن و به دور از کوچکترین تکنولوژی و با اعتقادات بسیار عجیب خود می‌زیستند و در این دوران مردم ماخونیک چای نمی‌نوشیدند، سیگار نمی‌کشیدند و گوشت هم نمی‌خوردند و همه این اعمال را گناه می‌دانستند و همچنین ورود تلویزیون به روستا به منزله ورود شیطان بود و به کودکان اجازه نمی‌دادند پای تلویزیون بنشینند.

یکی از نقاط دیدنی روستای ماخونیک شهرستان سربیشه را برج سنگی آن است. این برج در طبقات بالای روستا ساخته شده بطوریکه به اطراف روستا اشراف داشته، از این برج جهت دیده بانی استفاده می‌کردند تا در صورت حمله احتمالی دشمن، به همه اهالی روستا اطلاع دهند.

کوچه‌های بافت قدیم روستای ماخونیک خیلی باریک است و تنها انسان به تنهایی می‌تواند از کوچه‌ها عبور کند.

تا سالهای قبل تنها منبع غذایی مردم این روستا شلغم و چغندری بوده که در اطراف روستا کاشت می‌شده که به شکل آب پز طبخ می‌کردند گاهی هم با آرد مخلوط و چیزی شبیه آش درست می‌کردند که در اصطلاح محلی

به آن پختک می‌گویند. ماخونیکی‌ها تنها راه درمان‌های بیماری سخت را قرطینه در غار می‌دانستند در گذشته اهالی این روستا با انواع غذاها بیگانه بوده‌اند ولی در سالهای اخیر با بهتر شدن اوضاع اقتصادی جامعه و به قول خودشان دریافت یارانه اوضاع اندکی بهتر شده و مردم می‌توانند نان و برنج و گوشت هم بخورند.

در روستای ماخونیک غیر از درخت عناب درختی دیگری کشت نمی‌شود، و اطراف این روستا درخت بنه نیز به صورت خود رو وجود دارد و بنه همان درختی است که اهالی روستا میوه آن را جمع‌آوری کرده و پس از خشک کردن می‌کوبند و با آرد و شلغم به مصرف غذایی می‌رسانند.

در حال حاضر تعدادی از جوانان روستا در معادن گرانبست نزدیک روستا مشغول به کار شده‌اند برای همین هم اوضاع اقتصادی و فرهنگی روستا تا حدودی لااقل درمورد بعضی خانواده‌ها دستخوش تحول واقع شده است.

در گذشته در حوالی گورستان، شکافی غارمانند در دل کوه وجود داشته و در حال نیز آثار آن نیز وجود دارد در



گذشته اگر کسی بیمار می‌شد او را به غارمی بردند و مداوا می‌کردند که بیشتر این شکل درمان نوعی قرطینه بوده است.

به نظر می‌رسد با این نوع درمان مردمان روستای ماخونیک به دنبال این بودند که از سرایت بیماری به دیگر افراد خانواده جلوگیری شود. سنگ نگارهای تاریخی در روستا نشان از قدمت این روستا دارد.

اسناد تاریخی این منطقه نشان می‌دهد که روستای ماخونیک بیش از ۳۰۰ سال قدمت دارد و آنچه اهالی این روستا بر سرزبان دارند درخاطرات خود از شاهان دوران صفوی نیز یاد می‌کنند.

اهالی روستای ماخونیک درعین تنگدستی به سواد و علم آموزی مخصوصاً علوم دینی علاقه زیادی دارند چرا که بسیاری از اهالی این روستا قرآن خوان و به مکتب رفته‌اند.

بافت قدیم روستای ماخونیک در دامنه تپه و خانه‌ها به‌طور فشرده به هم و در گودی زمین ساخته شده به طوری که روستا از داخل رودخانه که سابق محل عبور و مرور بوده به هیچ عنوان دیده نمی‌شود.

متداول‌ترین غذاهای اهالی

روستا کشک، قلمور، کورگی و کاجی است که در این میان کاجی از مهمترین و متداولترین غذاهای این منطقه است که بیشتر از شلغم درست می‌شود. آب قروت، کشک، قلمورشیر، قلمور ترش، گندم کله، سوزی، اشکنه زن کاهل، آب دوغ، گرماس، آب ماست، کاجی شلغم، اشترغاز، تلخو و پختیک را از مهمترین غذاهای مرسوم روستای ماخونیک در گذشته بود. در ظاهر مردمان این روستا

دارای قد متوسط به بالا هستند و قد‌های زیر ۱۶۰ در این روستا کمتر دیده می‌شود. بیشتر اهالی این روستا دارای قد متوسط هستند ولی به نظر می‌رسد به دلیل اینکه درب خانه‌های اهالی این روستا بسیار کوتاه و باریک است در گذشته اینگونه تصور شده که مردم این روستا قد کوتاه هستند ولی این درصورتی است که افراد خیلی قلد بلند نیز در همین نوع خانه‌ها نیز زندگی می‌کنند.

ماخونیکی‌ها در ۳۰ سال گذشته هیچ راه ارتباطی نداشته است، گفت: مردمان این روستا در گذشته با دنیای بیرون خود کمتر تعامل داشته‌اند. درگذشته اهالی روستای ماخونیک حمام نداشته و در خانه‌های غلفی بر روی تخت سنگ‌هایی خود را می‌شستند که در ۳۰ سال گذشته از طرف دولت در این روستا حمام عمومی احداث شده است.

نوع پوشش اهالی روستای ماخونیک نیز گفت: لباس اهالی روستای ماخونیک بسیار ژنده و مندرس است ولی اهالی از پوشیدن آن در شهر ابا ندارند.

از حدود ۲۰ سال قبل دیگر کرباس در این روستا بافت نمی‌شود و برای تهیه لباس به شهر مراجعه می‌کنند و هنوز عده‌ای از اهالی لباس‌هایی از جنس کرباس دارند که می‌پوشند.

طراحی لباس‌های زنان و مردان ماخونیکی در گذشته خیلی متفاوت بوده که امروز نیز برخی اهالی روستا نوع لباس خاص خودشان را می‌پوشند اما نسل جدید در زمینه پوشیدن لباس تغییر فرهنگ داده‌اند.

در ۳۰ سال گذشته اهالی روستا ماخونیک از سفال برای ظرف غذا خوری استفاده می‌کردند که این ظروف را خودشان تهیه می‌کردند ولی از سی سال گذشته ظروف خود را از شهر تهیه می‌کند ولی افراد قدیمی این روستا هنوز در همین ظروف سفالی غذا می‌خورند.

در گذشته اهالی این روستا از کفش‌های که داری کف چوبی بوده استفاده می‌کردند که استفاده ازاین نوع کفش تا ۳۰ سال گذشته در این روستا رواج داشته است.

و طوایف خلخال در کوه های طالش زندگی می کنند. قشلاق شاهسون ها و طوایف ارسباران، جلگه کم عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قزل اوزن است. ایل میان و ایل چاللی نیز در همین حوزه در منتهی الیه شمال غربی زندگی می کنند.

ایلات و عشایر حوزه شمال

شرق

حوزه شمال شرقی ایران به دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی بر خوردار است. این سرزمین دارای جنگل در قسمت ها ی شمال غربی و مراتع متوسط و ضعیف در سایر قسمت ها است. ایلات و طوایف این حوزه نیز از پیشینه و قدمت طولانی برخوردارند. بخشی مانند ایلات زعفرانلو و شادلو و قاجورلو از اکرادای هستند که در زمان شاه عباس اول صفوی به خراسان کوچانده شدند. ایل افشار که از دیرزمان در خراسان ساکن بوده، از ایلات ترک است. ایلات کرد زعفرانلو در شمال و شمال شرقی خراسان رضوی پراکنده شده اند.

ایلات ترک افشار از منتهی الیه شمالی خراسان، درگز و کوهپایه های کپه داغ تا الله اکبرتا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو ... کوچ می کنند. درمناطق تربت جام، تایباد و خواف، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوچ و سیستمی زندگی می کنند. در حرکت به جنوب با ایل پهلوی مواجه می شویم که بیلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قانات ترکمن ها جذاب ترین عشایر منطقه شمال شرق ایران هستند که محل زندگی آن ها، زبورالات، لباس های محلی، مراسم عروسی و عزای آنها برای گردشگران بسیار جالب است. ضمن آن که تقریباً تنها قومی هستند که اجازه می دهند غریبه ها در مراسم خصوصی آن ها شرکت کنند بنابراین بازدیدکنندگان بی هیچ دغدغه ای می توانند مراسم خصوصی چون عروسی و جشن های ترکمن های مهریان را از نزدیک ببینند. وجود عشایر ترکمن و رسوم جذاب آن ها سبب شده آن ها یکی از معروف ترین عشایر ایران پس از عشایر قشقایی باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنایی با آداب و رسوم آن ها دارند.

ایلات و عشایر حوزه مرکزی

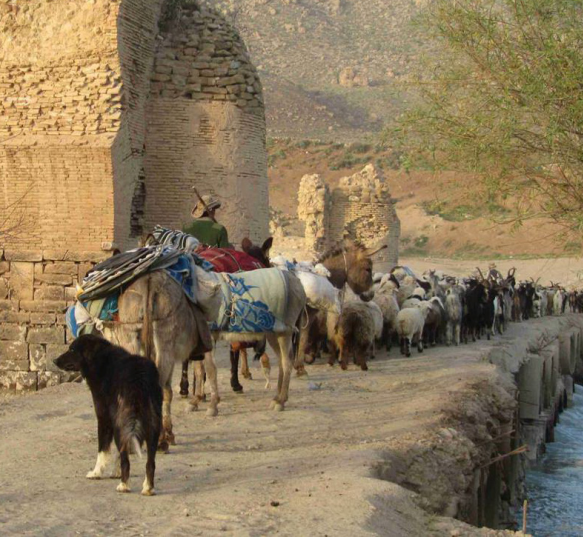
حوزه مرکزی ایران شامل استان های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی ، تهران و بخشی از مازندران می شود که ویژگی عمده آن ها نزدیکی به پایتخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی متمایزی نسبت به دیگر عشایر باشند. طوایف لر چگینی و غایانندی طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می کنند.

در استان همدان نیز طوایف ترکاشوند، یارم طاقلو، چیمبر و شاهسون زندگی می کنند. در دامنه های جنوبی البرز و در شمال استان سمنان و شمال و شمال غرب استان تهران طوایف نیمه کوچ نشین یا تنوع فراوان نژادی و قومی زندگی می کنند.

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد:

خانه مسکونی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می شود و جنبه دائمی دارند. چادر نیز در میان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آن ها مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مستطیلی است. هر یک از ایلات و عشایر یاد شده

دسته ها و رده بندی های ایلی خاص این منطقه که به تفصیل در مناطق مورد نظر آورده خواهد شد را رعایت می کنند و آداب و رسوم و شیوه های زندگی هر یک از این اقوام با یک دیگر تفاوت های اساسی دارند که همه این تفاوت ها و گونه گونی ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند.



های این ایل ساکن کرانه های جنوب شرقی ایران است. بلوچ ها در مبارزه با طبیعت و اقلیم سخت و در اثر محدودیت منابع و فقر طبیعت، خصوصیات ویژه یافته اند که آنان را از عشایر مناطق دیگر متمایز می سازد.

ایلات و عشایر حوزه شمال

غرب

حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است. جنگل های تنک، مرغزارهای سرسبز و مراتع پهناور از ویژگی های این ناحیه است که سبب زندگی عشایر در این منطقه شده است. در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می کنند. بیلاق آن ها در کوهپایه های سیلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشگین شهر است و طوایف ارسباران(قره داغ)

بلوچ از مهم ترین ایل های ساکن در جنوب شرق ایران هستند.

مجموع شگفتی های طبیعی، حوزه یادشده را به ۴ منطقه بیلاقی (دره های کوه تفتان و منطقه بردسیر و لاله زار و بارز با آب و هوای لطیف و چشمه های گوارا) با اختلاف شدید درجه

حرارت در روز و شب) گرمسیری (با هوای خفکان آور و گرمای شدید در شبانه روز) ساحلی (با هوای گرم و مرطوب) تقسیم کرده است. بیش ترین تراکم جمعیت عشایری این حوزه درامتداد کوهستان های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می شوند. طرز زندگی خاص عشایر بلوچ، روابط خوشاوندی، پیوندهای اجتماعی، بهره گیری از منزلت های اقتصادی اجتماعی درون طایفه ای، شناخت امتیازات براساس نظام سلسله مراتبی و سرداری ایلی به همراه اهر و مشگین و رسوم ویژه این قومیت از جمله جاذبه

جاذبه های گردشگری این قوم به شمار می روند. عید فطر در نزد عرب ها به مدت هفت روز گرفته می شود و عید قربان یک روز تمام به جشن و شادی می گذرد. از آداب کهن این منطقه که از قرن ها پیش هم چنان پابرجاست گرمای داشتن نوروز و آتش افروزی چهارشنبه سوری است.

ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می گیرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی شدید و در مجموع منطقه

ای کم آب و کم باران با آب و هوای گرم کویری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه روز است. عشایر



کوچ عشایر زندگی در حرکت

است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده ایلات و عشایر «دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی» لقب بگیرند. عشایر به شیوه ای جذاب و باورنکردنی طی قرن ها وسال های طولانی اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است. مسکن عشایر و نوع زندگی آن ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی



و ثابت قدم بوده و در برابر مشکلات شجاع و مقاوم اند. عشایر بی حرمتی به قومیت خود را به هیچ وجه تاب نمی آورند و میهمان نوازی و آزادمنشی از

ویژگی های این قوم سخت کوش است. علاقه فراوان عرب ها به جشن های ملی و محلی و به جا آوردن کلیه آداب و رسوم مربوط به آنها نیز از جمله

عشایر لر را به لر کوچک(الوار) لرستان و لر بزرگ(الوار بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی فارس) تقسیم می کنند. لک ها در واقع جنوبی ترین قبایل کرد به شمار می آمده اند که امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند. ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می کند بزرگ ترین ایل کوچنده کشور ایران است.

در منطقه کوهمره که منطقه ای جنگلی بین کارزون و فیروزآباد فارس است ایلات و طوایفی پراکنده شده اند که مهم ترین آن ها ایل سرخی خوانده می شود. در این منطقه زندگی کوچ نشینی رونق دارد و در بخش های اسکان یافته نیز فرهنگ عشیره ای و گویش های متنوع و آداب و رسوم خاص آن ها حاکم است. بررسی های تاریخ ایران از اواخر دوره صفویه به بعد نشان می دهد که ایل بختیاری و در راس آن خوانین بختیاری به دلیل برخورداری از شرایط ویژه جغرافیایی قلمرو ایلی، سازمان قبیله ای و نظام ایلی مستحجم، در بیش تر حوادث و وقایع تاریخی ایران حضوری موثر و فعال داشتند. نوع زندگی، آداب و رسوم حاکم بر جامعه بختیاری و ساخت و بافت روستاها مبین نظام های کهنه و نو عشایری در منطقه است. مجموعه ایل بختیاری همراه با سنن و شیوه های خاص زندگی، به تنهایی یکی از جاذبه های بی نظیر و چشم گیر این منطقه است. زندگی ایلی با الگوی سکونت و آداب و رسوم ویژه، که مورد علاقه گردشگران و دیدارکنندگان داخلی و خارجی است، یکی از دیدنی های جالب توجه قوم لر است. کوچ روهایی بختیاری، زمستان را در دشت های شرق خوزستان و تابستان را در بخش های غربی منطقه چهارمحال و بختیاری به سر می برند. آن ها هر ساله از اواخر اردیبهشت ماه از پنج مسیر مختلف همراه با مبارزه ای خستگی ناپذیر با سختی های طبیعت، ضمن عبور از رودخانه ها، دره ها، و پشت سر گذاشتن بلندی های زردکوه در مناطق معینی از دامنه زاگرس پراکنده می شوند و نزدیک سه ماه در این منطقه می مانند

عشایر و کوچ نشینان

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه های زاگرس از کوه های ارارات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه های پاکستان می رسند. منطقه یاد شده شامل استان های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس می شود.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره های پرآب و جنگلی و دشت های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام داران را از رنج کوچ های طولانی و برون منطقه رهایی بخشیده است.

عشایر کرد از زمان های گذشته در شمالی ترین بخش زاگرس در محدوده استان های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده اند که امروزه برخی از آن ها در کوهستان های اطراف اسکان یافته اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزاز، قره یاپاق و... در استان آذربایجان غربی و ایلات گلپای، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طواف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده اند. در استان کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانلی، سنجایی، گوران و کرند در این منطقه پراکنده شده اند.

ایلات و عشایر کرد ایران نیز به عنوان حافظان آداب و رسوم و سنت های این قوم بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار هستند و دارای جاذبه های گردشگری فراوانی هستند. جامعه عشایری جایگاه ویژه ای دارند. قوم کرد از لحاظ فرهنگی سابقه چشمگیری دارد. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارند.

طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یک دیگر تفاوت دارند. ایلات و طوایف لک در شمال و شمال باختری لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است. در گذشته لک ها به «طوایف تند» و لرها به «فیلی» شهرت داشتند. الوار ایران در لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی از استان فارس و بوشر زندگی می کنند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند.

عشایر لر را به لر کوچک(الوار) لرستان و لر بزرگ(الوار بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی فارس) تقسیم می کنند. لک ها در واقع جنوبی ترین قبایل کرد به شمار می آمده اند که امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند. ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می کند بزرگ ترین ایل کوچنده کشور ایران است.



دنیای جوانان / ناظم رام
کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ ترین جاذبه های این شیوه معیشت

ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه های زاگرس از کوه های ارارات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه های پاکستان می رسند. منطقه یاد شده شامل استان های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس می شود.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره های پرآب و جنگلی و دشت های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام داران را از رنج کوچ های طولانی و برون منطقه رهایی بخشیده است.

عشایر کرد از زمان های گذشته در شمالی ترین بخش زاگرس در محدوده استان های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده اند که امروزه برخی از آن ها در کوهستان های اطراف اسکان یافته اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزاز، قره یاپاق و... در استان آذربایجان غربی و ایلات گلپای، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طواف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده اند. در استان کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانلی، سنجایی، گوران و کرند در این منطقه پراکنده شده اند.

ایلات و عشایر کرد ایران نیز به عنوان حافظان آداب و رسوم و سنت های این قوم بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار هستند و دارای جاذبه های گردشگری فراوانی هستند. جامعه عشایری جایگاه ویژه ای دارند. قوم کرد از لحاظ فرهنگی سابقه چشمگیری دارد. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارند.

طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یک دیگر تفاوت دارند. ایلات و طوایف لک در شمال و شمال باختری لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است. در گذشته لک ها به «طوایف تند» و لرها به «فیلی» شهرت داشتند. الوار ایران در لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی از استان فارس و بوشر زندگی می کنند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند.

عشایر لر را به لر کوچک(الوار) لرستان و لر بزرگ(الوار بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی فارس) تقسیم می کنند. لک ها در واقع جنوبی ترین قبایل کرد به شمار می آمده اند که امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند. ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می کند بزرگ ترین ایل کوچنده کشور ایران است.

گورستان هفتاد ملا



در هر منطقه ای آداب و رسوم، شیوه دفن و نوع ساختمان قبرستان هایشان با منطقه ای دیگر متفاوت است و با نوع زندگی و باورهای دنیایی خود رابطه ای تنگاتنگ دارد. قبرستان های عجیبی در نقاط مختلف -ایران دیده می شود که بسیار سوال برانگیز هستند. یکی از این دیار خاموشان عجیب و حیرت انگیز در روستای تمین شهرستان زاهدان قرار دارد. قبرستانی در دل صخره ها با معماری عجیب و بسیار جالب به نام هفتاد ملا.



در ابتدای راه که شنیدیم به سمت گورستانی غریب می رویم، سکوت همه را فرا گرفت. حسی آمیخته با ترس و حیرت و مهم تر از آن کنجکاوی تمام ذهنم را به خود مشغول ساخته؛ چرا قبرستان؟ مگر قبرستان چیزی به غیر از سنگ هایی با جملاتی غم انگیز و تلنگری برای زندگان است؟ چرا تا دنیای شگفت انگیز و هیجانی و جالب زندگان در اطرافمان فراوان است باید به شهر مردگان برویم و سفرمان را با غم آمیخته کنیم؟ باید بپذیریم که این نیز جزئی از سفر است و باید به تجربیات خود اضافه کنیم.

از زاهدان در حدود یک ساعت به سمت شرق رفته تا این که به روستای تمین رسیدیم. در قسمتی از کوه های روستا تورفتگی تصنعی و عجیبی وجود دارد، کمی نزدیکتر که می شویم می گویند این است قبرستان هفتاد ملا.

قصه به اینجا ختم نمی شود. باید سنگ های متفاوت و عجیب با سوراخ هایی دایره شکل و رنگ های قرمز روی آن را ببینیم. قبرستانی که صاحبانش همیشه در سایه و دور از نور خورشید هستند و باد و باران گزندگی به آن ها نمی رسانند. طی کردن کیلومترها مسافت برای دیدن این مکان، واقعا ارزش دارد و سفر را بسیار پربار می کند.

اهالی راجع به شکل های متفاوت سنگ ها و چرا در میان کوه؟ آن ها افسانه ها و پاسخ ها جالبی را برای این گورستان بیان می کنند.

در مورد وجود این مقبره و محل به خاطر اینکه تاریخ واقعی و رمز و رازهای آن هنوز مشخص نشده، مردم افسانه های مختلفی را بیان می کنند. بعضی بر این باورند که اینجا محل دفن موبدان زرتشتی است که بعد از حمله اعراب به این منطقه پناه بردند. باور دیگر اینکه مردم به علت قرار گرفتن منطقه در مسیر رودخانه، اجساد افراد متوفی را در ارتفاعات دفن می کردند تا از سیل در امان باشند.

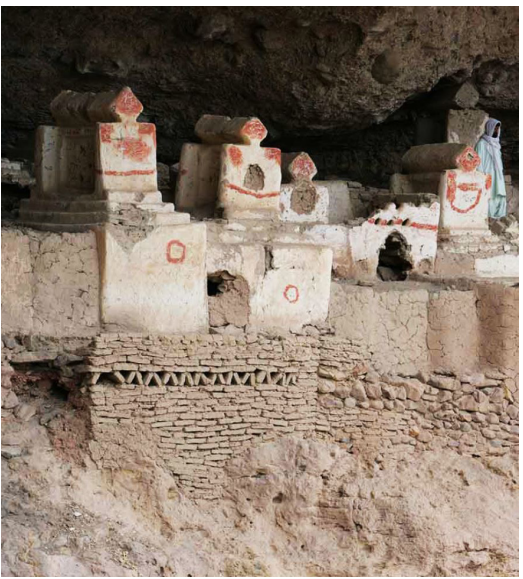
قدمت واقعی این قبرستان در حدود ۸۰۰ سال و متعلق به دوره اسلامی است.



معماری و ساخت قبرستان

مساحت قبرستان بیش از ۵۰۰ متر مربع و به شکل کماتی در بخش شرقی روستای روپس در سینه کوه واقع شده است. قبور به شکل مستطیل و در طرف آن به وسیله خشت خام بالا آورده شده، مثل صنوقچه، و اجساد را داخل آن قرار داده و قبور را به صورت مسطح ساخته اند.

برای ساخت قبرها از سبک معماری مقبره کورش در پاسارگاد الهام گرفته اند. بر روی هر کدام از قبرها هشت سوراخ تعبیه شده که هوا از داخل آن ها عبور می کند. قسمت هایی از قبور را با رنگ قرمز نقش زده اند. دسترسی به قبرستان: سیستان و بلوچستان، زاهدان، روستای تمین. بهترین زمان برای سفر به این نقطه از کشورمان فصل پاییز و زمستان است.



در این قسمت مجسمه ها براساس جنس و متریال دسته بندی نشده و آنها با توجه به فضای داخلی موزه چیده شده اند. (۶ فضای باز مجموعه ترکیب فضای طبیعی و فضای مصنوعی ساخته دست بشر، منظره ای جالب و تماشایی به وجود می آورد که در این موزه شاهد این هماهنگی هستیم. در فضای باز مجموعه، در کنار زیبایی های طبیعی، مجسمه ها و آثار قرار گرفته شده که گردشگران علاوه بر لذت بازدید طبیعت، از مجسمه هایی که در طول مسیر قرار دارد، حظ بصری می برند.



تابلوهای نقش برجسته در نظر گرفته شده و دختر استاد خانم راما هوشمند وزیری آن را اداره می کنند

کلکسیونهای استاد وزیری در طول چهل سال اخیر دکتر وزیری کلکسیون ارزشمندی از آفتابه ها و پارچ های مسی قدیمی را فراهم کرده همچنین به خاطر علاقه شخصی ایشان به ورزش شطرنج، علاوه بر اینکه در اوقات فراغت خود به این ورزش می پردازند، کلکسونی از شطرنج را نیز جمع آوری کرده اند.

آدرس و ساعات بازدید لواسان، بلوار امام خمینی، جاده کند علیا و سفلی، دوراهی بوجان، سمت چپ، پلاک ۷۷. تلفن: ۲۶۵۵۶۶۰۴ فکس: ۲۶۵۵۶۷۳۴

بازدید از این موزه همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ و از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۹ امکان پذیر می باشد. در روزهای تعطیل و جمعه ها موزه از ۹ الی ۱۹ یکسره پذیرای علاقه مندان از موزه می باشد.



دنیای جوانان / ناظم رام در گوشه کنار شهر پر هیاهوی تهران در جایی نزدیکی پایتخت، در کنار کوهپایه های جنوبی البرز میان خوش آب و هوا ترین منطقه لواسانات. مجموعه ای در یک موزه شخصی جمع آوری شده است که چشم بازدیدکنندگان خاص خود را به خود جلب می کند. در این مجموعه موزه ای جالب و دیدنی را خواهید دید که با سرمایه شخصی دکتر ناصر هوشمند وزیری از هنرمندان و مجسمه سازان بنام ساخته و به نمایش گذاشته شده است. آقای هوشمند وزیری آثار مجسمه سازی و کلکسیون های ارزشمند خود در فضایی خاص و شگفت انگیز احداث کرده و در معرض دید عموم قرار داده است. با هم به دیدن این موزه عجیب می رویم و با مجسمه ها و دست سازهای عجیب این مجسمه ساز مبتکر آشنا می شویم

اینجا یک موزه است

دکتر ناصر هوشمند وزیری از مجسمه سازان به نام معاصر ایران است. او در سال ۱۳۲۵ شمسی در همان دیده به جهان گشود. او در سال ۱۳۵۰ موفق به دریافت لیسانس مجسمه سازی از دانشگاه هنرهای زیبا تهران شد و در سال ۱۳۷۳ دکترای افتخاری و استاد درجه یک هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دریافت کرد.

از ایشان تاکنون مجسمه و آثار هنری زیادی به نمایش درآمده است، کسانی که از پارک جمشیدیه تهران دیدن کرده اند با مجسمه های زیبا و جالبی روبه رو شده اند که فضای پارک را دگرگون و دیدنی ساخته اند. این مجسمه های منحصر به فرد اثر استاد وزیری می باشد.

از دیگر آثار ایشان که در شهر بزرگ تهران به نمایش گذاشته شده می توان از مجسمه پرواز و نردبان در پارک ایرانشهر(خانه

بخش نمایشگاهی، کارگاهی، صنایع دستی، آموزشی، نگارخانه و سالن اجتماعات هستیم.

موزه ای جالب و دیدنی که دانشجویان رشته های هنر و علاقه مندان به هنر می توانند از آن بهره



فردوسی می باشد. ایشان حاصل تلاش و زحمت شبانه روزی ۵۰ ساله خود را در معرض تماشای هموطنان خود قرار داده و به خاطر علاقه ای که به سرزمین مادری خود دارند، پیشنهاد و دعوت کشورهای دیگر را برای فعالیت هنری خود نپذیرفتند. این موزه ما شاهد قسمتهای مختلف عکاسی کنند.



۱) سرای بسطامی سرای بسطامی سالتی است سمعی و بصری به منظور برگزاری سمینارها، همایشها، جشنواره ای فرهنگی و هنری، گردهمایی انجمن های ادبی، حداکثر ظرفیت این سالن ۹۰ نفر می باشد.

۲) گالری قسمتی از این مجموعه به گالری و نمایش آثار هنری هنرمندان اختصاص داده شده و هنرمندان رشته های مختلف هنری برای نمایش آثار خود از این سالن ۴۰ متری استفاده می کنند. قسمت گالری مجموعه توسط خانم رکسانا هوشمند وزیری اداره می شود.

۳) کارگاه صنایع دستی در قسمت کارگاه صنایع دستی، فضایی برای ساخت آثار هنری سفالین، لعاب، کوره پخت، چرخ سفالگری و کارگاه ساخت

۴) کارگاه مجسمه سازی استاد فضایی جالب و دوست داشتنی که استاد در آن مشغول به کارند و مجسمه های زیبای خود را در این مکان خلق می کنند. ورود به این کارگاه محدودیتی ندارد و بازدیدکنندگان می توانند از نزدیک با نحوه کارکردن استاد و مراحل ساخت مجسمه آشنا شوند.

۵) فضای داخلی غار ۸ دالان تو در تو وجود دارد که در دل کوه تراشیده شده و دیواره ها را با لایه ای از بتن پوشانده اند. در قسمت ورودی دالان دوم مجسمه ای قرار دارد که انگار سنگینی وزن سقف را بر دوش خود گذاشته و آن را تحمل می کند، گویی بار سقف بر دوش اوست.

اقتصاد جوان

ترجمه مهندس سعید اسلامی



در گزارشی که به تازگی منتشر شده است، محققان مؤسسه منابع جهانی (**WRI**) بررسی می کنند که چگونه تقاضای فزاینده برای غذا، چوب و سرپناه زمین های مورد نیاز برای ذخیره کربن و حفاظت از تنوع زیستی را تحت فشار قرار می دهد.

این تحقیق از مدل‌سازی جدید برای ارائه یک تصویر جهانی واقعی از هزینه‌های فرصت کربن برای استفاده از زمین استفاده می‌کند و یک رویکرد چهار جانبه را پیشنهاد می‌کند: تولید، محافظت، کاهش، بازیابی – برای مدیریت پایدار زمین‌های محدود جهان. رقابت برای زمین در حال داغ شدن است زیرا جمعیت رو به رشد

جهانی تقاضا برای غذا، چوب و سرپناه را افزایش می‌دهد – و فشار بر زمین‌هایی که برای ذخیره کربن و ایجاد زیستگاه برای تنوع زیستی مورد نیاز است، می‌شود.

تا سال ۲۰۵۰، پروژه‌های تحقیقاتی **WRI** که زمین‌هایی دو برابر هندوستان دارند، برای کشاورزی تبدیل می‌شوند و زمین‌هایی به اندازه قاره ایالات متحده برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده چوب مورد نیاز خواهند بود.

با استفاده از مدل بیوفیزیکی جدید برداشت کربن (**CHARM**)، نویسندگان دریافتند که پیامدهای اقلیمی افزایش سریع تقاضا برای محصولات زمینی نادیده گرفته شده است. استراتژی‌های اقلیمی تاکنون هزینه‌های کربن و تنوع زیستی ناشی از گسترش کشاورزی و برداشت چوب را دست کم گرفته‌اند، که منجر به سیاست‌هایی شده است که زمین را از کاربری‌های بهتر به سمت مواردی که احتمالاً انتشار گازهای گلخانه‌ای

را به شدت افزایش می‌دهند، منحرف می‌کند.

پاسخگویی به تقاضا برای غذا و چوب در حالی که می‌توان جنگل‌ها را احیا کرد، از تنوع زیستی محافظت کرد و کربن را ذخیره کرد امکان‌پذیر است – اما این امر مستلزم پیشرفت تکنولوژیکی بی‌سابقه و اراده سیاسی است. **WRI** برای دستیابی به این هدف، استراتژی چهار وجهی را برای جهان پیشنهاد می‌کند:

در همان زمین غذا و چوب بیشتری تولید کنید و در عین حال شهرهای متراکم تر را تشویق کنید. به عنوان مثال، افزایش چشمگیر عملکرد محصول و چرا، تولید با استفاده کارآمدتر از نهاده‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و سایر آلودگی‌ها نیز مهم خواهد بود.

از جنگل‌ها و سایر اکوسیستم های طبیعی محافظت کنید. به عنوان مثال، دستاوردهای بهره وری کشاورزی را با تلاش برای حفاظت از جنگل‌ها و مناطق طبیعی مرتبط کنید.

فشار جهانی زمین: مدیریت رقابت رو به رشد برای زمین



کاهش تقاضا برای غذاهای خشک، چوب و سایر محصولات، به عنوان مثال، از دست دادن غذا و هدر رفتن مواد غذایی را در همه جا کاهش

دهید و رژیم های غذایی در کشورهای درآمدم بالا را از گوشت (به ویژه گوشت گاو) و شیر به سمت غذاهای گیاهی تغییر دهید. گزینه های دیگر شامل

بازیافت گسترده و کاهش استفاده از محصولات چوبی برای بسته بندی، اجاق های چوبی کارآمدتر و انتقال رفتن مواد غذایی را در کشورهای در مبتنی بر خورشید در کشورهای در حال توسعه است.

جنگل‌ها و دیگر زیستگاه‌های بومی را که در آن‌ها محصولات زمینی

صندوق جهانی تنوع زیستی؛ حفاظت گونه های وحشی، پایداری اکوسیستم ها



تصمیم به ایجاد یک صندوق جدید تحت مدیریت **GEF** برای حمایت از آن گرفت.
پایده سازی.

GEF خانواده ای از بودجه است که از اقدامات کشورهای در حال توسعه در زمینه چالش های زیست محیطی مرتبط از جمله از دست دادن تنوع زیستی، تغییرات آب و هوا و آلودگی حمایت می کند. در ماه ژوئن، شورای **GEF** در نشست در برزیل تأسیس این صندوق را تصویب کرد.

۲۰ درصد از منابع این صندوق از ابتکارات بومی برای حفاظت و حفاظت از تنوع زیستی حمایت خواهد کرد. همچنین حمایت از کشورهای در حال توسعه جزیره کوچک و کشورهای کمتر توسعه

یافته را که بیش از یک سوم منابع را دریافت خواهند کرد، در اولویت قرار خواهد داد.

ایجاد این صندوق و تعهد آن به حمایت از مردم بومی و جوامع

محلی، به رسمیت شناختن مهم و روشنی از نقش اساسی آنها برای نسل‌ها در حفاظت از تنوع زیستی است. لوسی مولنکی، رئیس مشترک مجمع بین‌المللی بومی در

رویارویی با ستاره‌ها یا فرار مقطعی از آنها؟

قرعه سخت یا آسان برای ایرانی‌ها در آسیا!؟



کنفدراسیون فوتبال آسیا روز دوشنبه جزئیات قرعه کشی مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا برای فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۴ را اعلام کرد.

این فدراسیون در وسایت خود اعلام کرد که مراسم قرعه‌کشی پنجشنبه آینده در مقر کنفدراسیون آسیا در کوالالامپور پایتخت مالزی برگزار خواهد شد.

قهرمانان آسیا برای اولین بار به پاییز منتقل شده است و مسابقات از ۲۶ سپتامبر تا می ۲۰۲۳ برگزار خواهد شد.

در قرعه‌کشی، باشگاه های شرکت کننده به ۱۰ گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه شامل چهار باشگاه است. در این قرعه‌کشی باشگاه‌های منطقه غرب آسیا به گروه های اول تا پنجم تقسیم می شوند، در حالی که باشگاه های شرقی به گروه های ششم تا دهم تقسیم می‌شوند.

از ۴۰ باشگاهی که در مرحله گروهی در شرق و غرب آسیا حضور خواهند داشت، ۲۲ باشگاه در حال حاضر حضورشان قطعی شده و تکلیف ۸ باشگاه دیگر با برگزاری مسابقات پلی‌آف در روز سه‌شنبه مشخص می‌شود و در یکی از این مسابقات هم تیم تراکتور باید در تبریز به مصاف الشارجه برود.

نکته قابل توجه اینکه هیچ دو تیمی از

یک کشور در یک گروه قرار نخواهند گرفت. در منطقه شرق، چونبوک هیوندای،

اوسان هیوندای و پوهانگ استلرز که

قهرمانان سابق لیگ قهرمانان آسیا هستند،

در مرحله گروهی قرار دارند.

همچنین اوراواردز قهرمان فصل گذشته مسابقات از ژاپن باید با یلدی مان‌اسی (سعودی)، باشگاه های الهلال (اردن)، استقلال (تاجیکستان)، نیروی هوایی (عراق)، اهال (ترکمنستان)، یعنی سیتی (هند).

سید چهارم: العین (امارات متحده عربی)، برنده النصر (عربستان)– شیب‌الاهلی (امارات)، برنده تراکتور (ایران)– شارجه (امارات)، برنده البربر (قطر)– نفیجور (ازبکستان).

سید اول شرق آسیا* در شرق اوسان هیوندای (کره جنوبی)، یوکوهاما مارینوس (ژاپن)، ووهان تری تاوتر (چین)، بوریرام (تایلند) و چونبوک موتورز (کره جنوبی) در سطح اول شرکت خواهند کرد.

سید دوم شرق: ونتفورت کوفو (ژاپن)، شاندونگ

تایشان (چین)، بانکوک یونایتد (تایلند)،

سید اول شرق آسیا* در شرق اوسان هیوندای (کره جنوبی)، یوکوهاما مارینوس (ژاپن)، ووهان تری تاوتر (چین)، بوریرام (تایلند) و چونبوک موتورز (کره جنوبی) در سطح اول شرکت خواهند کرد.

زمینه تنوع زیستی، گفت: ما تنها با اقدامات جمعی، فراگیر و رویکرد حقوق بشری به چشم‌انداز مشترک یک سیاره سالم و مردم سالم دست خواهیم یافت.

۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ | سال نهم | شماره ۳۰۵

وضعیت امنیت غذایی و تغذیه

در جهان ۲۰۲۳

اقتصاد جوان: در نسخه امسال گزارش سالانه **SOFI** سازمان ملل آمده است که وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در سال ۲۰۲۲ وخیم باقی مانده است، در حالی که ناامنی غذایی بر افرادی که در مناطق روستایی زندگی می کنند تأثیر می گذارد.

به گزارش اقتصاد جوان، آخرین گزارش وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان (**SOFI**) نشان می دهد که اگر روندها به همین شکل باقی بماند، هدف توسعه پایدار پایان دادن به گرسنگی تا سال ۲۰۳۰ محقق نخواهد شد. در جولای ۲۰۲۳ به طور مشترک توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (**IFAD**)، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، سازمان بهداشت جهانی (**WHO**) و جهان منتشر شد. برنامه غذایی (**WFP**).

بین ۶۹۱ تا ۷۸۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۲ با گرسنگی مواجه بودند که میانگین آن ۷۳۵ میلیون نفر است. بر اساس این گزارش، بیش از ۱۲۲ میلیون نفر دیگر در جهان از سال ۲۰۱۹ به دلیل بیماری همه گیر و شوک های آب و هوایی مکرر و درگیری ها، از جمله جنگ در اوکراین، با گرسنگی مواجه شده اند.

گرسنگی در غرب آسیا، کارائیب و آفریقا همچنان در حال افزایش است در حالی که آمار جهانی گرسنگی بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ متوقف شده است. مکان‌های زیادی در جهان با بحران‌های عمیق غذایی مواجه هستند. پیشرفت در کاهش گرسنگی در آسیا و آمریکای لاتین مشاهده شد، اما گرسنگی همچنان در آسیای غربی، دریای کارائیب و در تمام مناطق فرعی آفریقا در سال ۲۰۲۲ در حال افزایش بود. آفریقا همچنان بدترین منطقه آسیای دیده است و از هر پنج نفر یک نفر با گرسنگی مواجه است. این قاره، بیش از دو برابر میانگین جهانی است.

این گزارش نشان می‌دهد که تقریباً ۲۹.۶ درصد از جمعیت جهان، معادل ۲.۴ میلیارد نفر، به طور مداوم به غذا دسترسی ندارند، همانطور که با شیوع ناامنی غذایی متوسط یا شدید اندازه‌گیری می‌شود. در این میان، حدود ۹۰۰ میلیون نفر با ناامنی شدید غذایی مواجه بودند.

دسترسی به رژیم غذایی سالم بدتر شده است

در همین حال، ظرفیت مردم برای دسترسی به رژیم های غذایی سالم در سراسر جهان بدتر شده است. بیش از ۳.۱ میلیارد نفر – یا ۴۲ درصد از جمعیت جهان – در سال ۲۰۲۱ قادر به پرداخت یک رژیم غذایی سالم نبودند. این نشان دهنده افزایش کلی ۱۳۴ میلیون نفری نسبت به سال ۲۰۱۹ است.

میلیون ها کودک زیر پنج سال همچنان از سوء تغذیه رنج می برند. در سال ۲۰۲۲، ۱۴۸ میلیون کودک زیر پنج سال (۲۲.۳ درصد) کوتاه قدی، ۴۵ میلیون (۶.۸ درصد) ضایع شدند و ۲۷ میلیون (۵.۶ درصد) اضافه وزن داشتند.

پیشرفت در تغذیه انحصاری با شیر مادر دیده شده است، به طوری که ۶۸ درصد از نوزادان زیر شش ماه از این روش سود می برند که نزدیک به هدف ۲۰۲۵ است. با این حال، برای دستیابی به اهداف سوء‌تغذیه در سال ۲۰۳۰، تلاش های هماهنگ بیشتری لازم است.

مردم مناطق روستایی بیشتر از ناامنی غذایی رنج می برند

این گزارش همچنین به افزایش شهرنشینی به‌عنوان یک «مرکوبند» نگاه می‌کند که بر نحوه و آنچه مردم می‌خورند تأثیر می‌گذارد. به گفته نویسندگان، مفهوم ساده تقسیم روستایی و شهری دیگر برای درک روش‌هایی که شهرنشینی در شکل‌دهی به سیستم‌های کشاورزی کشاورزی انجام می‌دهد کافی نیست. یک دیدگاه پیوسته روستا-شهری پیچیده‌تر با توجه به درجه ارتباط مردم و انواع ارتباطاتی که بین مناطق شهری و روستایی وجود دارد مورد نیاز است.

این گزارش نشان می‌دهد که خرید مواد غذایی نه تنها در میان خانوارهای شهری، بلکه در سراسر زنجیره روستایی-شهری، از جمله افرادی که دور از مراکز شهری زندگی می‌کنند، قابل توجه است. یافته های جدید همچنین نشان می دهد که چگونه مصرف غذاهای بسیار فراوری شده نیز در مناطق حاشیه شهری و روستایی برخی کشورها در حال افزایش است.

متأسفانه نابرابری های فضای فضایی همچنان باقی است. افراد بیشتری که در مناطق روستایی زندگی می کنند به دلیل ناامنی غذایی تهدید می شوند. ناامنی غذایی متوسط یا شدید ۳۳ درصد از بزرگسالان ساکن در مناطق روستایی و ۲۶ درصد در مناطق شهری را تحت تأثیر قرار داده است. سوء تغذیه کودکان نیز ویژگی های شهری و روستایی را نشان می دهد: شیوع کوتاه قدی در مناطق روستایی (۲۵.۸ درصد) بیشتر از مناطق شهری (۲۲.۴ درصد) است. اتلاف در مناطق روستایی (۱۰.۵ درصد) بیشتر از مناطق شهری (۷.۷ درصد) است. در حالی که اضافه وزن در مناطق شهری (۵.۴ درصد) نسبت به مناطق روستایی (۳.۵ درصد) کمی بیشتر است.

این گزارش همچنین می‌کند که برای ارتقای امنیت غذایی و تغذیه، مداخلات، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی باید با درک جامعی از رابطه پیچیده و در حال تغییر بین پیوستار روستایی-شهری و سیستم‌های کشاورزی هدایت شوند.

انقلاب بهره‌وری در بخش کشاورزی

با تربیت کشاورزان آینده

و کمی محصولات کشاورزی از اهداف اصلی این فرآیند محسوب می‌شود.

رئیس سازمان تات به تغییرات

تربیت کشاورزان آینده و استفاده از ظرفیت نخبگان در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی به نقل از روابط عمومی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، سیدمجتبی خيام‌نکویی در دومین دوره آموزشی

جذب نخبگان، سازمان تات را به عنوان بزرگترین مجموعه استحصالی ظهور و بروز ظرفیت نخبگان در کشور دانست و گفت: انقلاب بهره‌وری در کشور با تربیت کشاورزان آینده و استفاده از ظرفیت نخبگان در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است.

وی بر بهره‌مندی از ظرفیت نخبگان در مسیر دانش‌بنیان شدن و افزایش بهره‌وری در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی کشور تأکید و خاطرنشان کرد: تحقیقات علمی در کشور نیازمندی‌دانش‌بنیان شدن بخش کشاورزی است و ارتقای بهره‌وری کیفی این بخش می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد

معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی گفت: انقلاب بهره‌وری در کشور با تربیت کشاورزان آینده و استفاده از ظرفیت نخبگان در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی به نقل از روابط عمومی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، سیدمجتبی خيام‌نکویی در دومین دوره آموزشی

جذب نخبگان، سازمان تات را به عنوان بزرگترین مجموعه استحصالی ظهور و بروز ظرفیت نخبگان در کشور دانست و گفت: انقلاب بهره‌وری در کشور با تربیت کشاورزان آینده و استفاده از ظرفیت نخبگان در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است.

وی بر بهره‌مندی از ظرفیت نخبگان در مسیر دانش‌بنیان شدن و افزایش بهره‌وری در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی کشور تأکید و خاطرنشان کرد: تحقیقات علمی در کشور نیازمندی‌دانش‌بنیان شدن بخش کشاورزی است و ارتقای بهره‌وری کیفی این بخش می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد

^[1] سید چهارم: العین (امارات متحده عربی)، برنده النصر (عربستان)– شیب‌الاهلی (امارات)، برنده تراکتور (ایران)– شارجه (امارات)، برنده البربر (قطر)– نفیجور (ازبکستان)

^[2] سید اول شرق آسیا* در شرق اوسان هیوندای (کره جنوبی)، یوکوهاما مارینوس (ژاپن)، ووهان تری تاوتر (چین)، بوریرام (تایلند) و چونبوک موتورز (کره جنوبی) در سطح اول شرکت خواهند کرد

رئیس مرکز تحقیقات سرطان:

جزو ۱۰ کشور اول در رشد سرطان هستیم

دنی‌ا هم زیر پوشش بیمه نیستند.

باید عالمانه‌تر و دلسوزانه‌تر راجع به بیماران سرطانی حرف بزنیم وگرنه مجبور می‌شود برود خانه و فرش و طلاهای همسرش را بفروشد و بعد هم نتیجه نمی‌گیرد.

این‌طورکه از کلام شما متوجه شدم ما درگیر یک‌جور سودجویی از درمان سرطان‌ها هستیم؟

دلت می‌خواهد این جواب را از من بگیری، اما توجه کن، یکسری اصول اخلاقی در درمان وجود دارد، اگر این اصول اخلاقی را به هر دلیلی بلد نباشیم خلاف است، گاهی به‌دلیل

سال قبل در این مملکت هرکسی سرطان سینه می‌گرفت سینه را برمی‌داشتند، ما اولین نفری بودیم که در درمان این سرطان حفظ سینه را انجام دادیم.
اما کاهش شیمی درمانی، چیزی‌که شما به آن نقد دارید به برنامه‌های دولت برمی‌گردد، این‌طور نیست؟
اینجا مسئله ما راهنمای بالینی است، وقتی من می‌گویم ۳۰ درصد بیشتر از دنیا شیمی درمانی داریم و ۹۴.۷ درصد ام‌آر‌آی زیادی تجویز می‌کنیم یعنی راهنمای بالینی علمی



را رعایت نمی‌کنیم، درحالی‌که یک مورد از این‌ها را در کانادا یا آمریکا پزشک تجویز کند فردای آن روز دیگر اجازه طبابت ندارد، درحالی‌که این‌جا مفت مفت می‌فروشند.

اما مهم این است که چرا پزشکان تجویز می‌کنند؟
به‌دلیل همان چهار عاملی‌که گفتم، بلد نیستند ارزان‌سازی خدمات کنند یا خدایی نکرده می‌تواند یک چیز دیگر باشد. تقاضای القایی دارد، این تقاضا می‌تواند دانشی باشد، یعنی پزشک کارش را بلد نیست، اما خدایی نکرده می‌تواند چیز دیگری باشد. تعارض منافع وجود دارد، سازمان ملل متحد یک مقاله درباره روش‌های درمان سرطان منتشر کرده‌است، در آن نوشته‌شده ۴۹ درصد درمان با جراحی است، جراحی به‌علاوه رادیوتراپی ۴۰ درصد و ۱۱ درصد شیمی درمانی است که سرطان درمان می‌کند، اما الان چند درصد پول‌ها در شیمی درمانی مصرف می‌شود؟ چیزی حدود ۷۲ درصد، این یعنی کم‌قلی، پول جایی‌که باید آموزش و تربیت بدهد نمی‌رود بلکه به سمت شرکت‌های دارویی می‌رود.

این اتفاق آگاهانه می‌افتد؟

از من نخواه از غیب خبر بدهم، ۹ من سال معاون وزیر بودم، چهار سال بهداشت و درمان را ادغام کردم، ما شورایی داریم که در آن تصمیم‌گیری می‌شود یک دارو باید جزو بیمه باشد و از دولت پول بگیرد نه از مردم، در زمان من ۴ قلم دارو به عهده دولت شد و نزدیک به ۱۰۰ قلم دارو از عهده دولت خارج شد، دانشی گره زدید که برداشت من این است که در اختیار مرکز شما است، اما همه بیماران که به مرکز شما دسترسی ندارند، دولت چرا کاری نمی‌کند درمان صحیح همه‌جا باشد؟
ببینید هر اقدام اجتماعی چهار مولفه دارد، حاکمیت، حکومت، تولیت و ملت، اگر بلد نباشیم این چهارتا را همسو کنیم مردم ضرر می‌کنند.
الان کجایی این چهار مولفه ایراد دارد که مردم دارند ضرر می‌کنند؟
حالا شما هم قضاوت کردید هم ضرر کردید؛ هیچ جای کار خراب نیست، فقط نمی‌دانیم چه‌کسی باید چه‌کاری انجام دهد، همه یکدیگر از مردم پول درمی‌آید، در بسیاری از موارد پزشک خیرنگار دوست شما به‌عنوان خیرنگار دوست دارید چهارتا حرف قلمبه‌سلمبه بشنوید که اوضاع را بهم بریزید اما اگر گوش بدهند من اصلاح سیستم را می‌خواهم ، قبل‌تر هم گفتم ۹۴.۷ درصد ام‌آر‌آی هایل‌تر هم گرفته می‌شود بی‌خود است چراکه راهنمای بالینی وجود ندارد، روشی که ما سرطان را تشخیص می‌دهیم هیچ جای دنیا این مقدار

هزینه نمی‌کنند، تعداد پتاسکن‌های که در کشور ما گرفته می‌شود خجالت آور است. البته من پز مرکز خودم را باید بدهم، در کشور و در سال گذشته بقای بیماران مبتلا به سرطان پستان ۱۱ درصد بهتر شد که خیلی است، در مرکز ما بالای ۹۲درست این بیماران بقا داشتند، پز من سر جایش است و باید بگویم کشور هم خوب شده است اما اگر آن پول‌ها، انرژی‌ها و نیروها درست هدایت شود بهره‌وری بالاتر می‌رود.

اینجا مسئله ما راهنمای بالینی است، وقتی من می‌گویم ۳۰ درصد بیشتر از دنیا شیمی درمانی داریم و ۹۴.۷ درصد ام‌آر‌آی زیادی تجویز می‌کنیم یعنی راهنمای بالینی علمی نمی‌کند یا نوه و نتیجه‌های سال‌های بعد را بیمار می‌کند.

همچنین برخلاف آن‌چه به مردم می‌گویم عوامل خلقی و روانی مانند استرس مزمن و انسجام خانواده شایع‌ترین علل تغییر نظام ژنومیک مردم هستند که می‌تواند به سرطان ختم شود، اگر کسانی‌که همسر هستند از یکدیگر حمایت کنند اولاً سرطان کم می‌شود، دوم این‌که درصورت ابتلا به سرطان طول عمر بیمار نسبت به بیمار دیگری با درمان مشابه و انسجام خانوادگی ضعیف کاملاً متفاوت است.

عشق و عاشقی، دوست داشتن و بخشندگی نجات دهنده است، نظام ای‌ژنتیک به اثبات قطعی رسیده و دروغ نیست.

وضعیت سرطان در ایران چگونه است؟
حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ سرطان به‌ازای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ایجاد می‌شود، این رقم در کشورهای غربی بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ نفر است، یعنی در کشورهای غربی حدود ۴.۵ برابر کشور ما مردم به سرطان مبتلا می‌شوند که فاکتور سن تاثیر دارد، برای این‌که فرصت زود همان متفره‌ای ژنومیک که توضیح دادم ایجاد می‌شود، هرچقدر آدم سن بالاتری داشت باشد عوامل تغییر دهنده ژنومیک را بیشتر تکرار می‌کند

پزشک حماقت علمی کرده است که چنین دارویی را تجویز کرده است، او حق تجویز چنین دارایی ندارد، در این وضعیت هم مردم ضرر می‌کند و هم آن پزشک ضرر می‌کند، چراکه بالاخره واقعیت مشخص می‌شود و مردم متوجه می‌شوند. من از همکارانی که ارزان سازی خدمات، تقاضای القایی و تعارض منافع را که از اصول اخلاقی درمان است رعایت نمی‌کنند به شدت گله دارم.

نظام ارجاع به پزشک در کشور ما چه‌طور است؟
در بریتانیا قلب آقای نخست‌وزیر در پارلمان درد گرفت، اما آمبولاس آن‌جا او را منتقل نکرد، چون ایشان پزشک خانواده دارد و حتماً باید آمبولاس پزشک خانواده می‌آمد، اما در ایران فقط با پرداخت ویزیت بلافاصله به فوق تخصص دسترسی پیدا می‌کنی، یعنی انرژی من ممکن است برای بیماری‌که اصلاً سرطان ندارد هدر برود، چراکه دوست داریم به جای پزشک خانواده فوق تخصص بگوید سرطان و جود ندارد، من می‌دانم آن وزیری که جرات کند از نظام ارجاع حرف بزند شب‌دیگر خواب ندارد، برای اینکه مردم قبول ندارند.

آقای دکتر ما از درمان سرطان حرف زدیم اما اجازه بدید این سوال مطرح کنیم که چرا مردم سرطان می‌گیرند؟
معمولاً پاسخ‌های کلیشه‌ای وجود دارد، این‌که هرکسی دخانیات مصرف کند، چربی بخورد، ورزش

بلافاصله مسائل اجتماعی ایجاد می‌شود، یک مطالعه در ۱۵۹ کشور جهان سوم بر روی ۳۶ سرطان انجام شد، آن‌جا گفته شده اگر ما برای پیشگیری از بروز سرطان ۱۰ وظیفه دراند که در ژن تغییراتی ایجاد کنند، ژن‌ها فرماندهی حیات در دنیا را به عهده دارند، هر انسانی با ۳۰ هزار ژن ساختار ژنی متفاوتی با انسان دیگر دارد، هر ژن از یک زنجیره DNA درست می‌شود که فقط چهارتا اسید بازی در آن بازی می‌کنند، اگر ترکیب این چهارتا تغییر کند بیمار سرطان می‌گیرد، ژنی‌که می‌خواهد متحول شود یک پروتون یا الکترون در آن جای‌جا می‌شود، آن عوامل خطر مانند سیگار و آلودگی هوا تلاش می‌کنند این پروتون را با ایجاد قطب‌های مخالف جای‌جا کنند، گاهی اوقات موفق می‌شوند و اگر من عمر کافی داشته باشم بالاخره سرطان خواهم گرفت. اما اتفاقی‌که حتماً می‌افتد این است که هرگز این اتفاق سو از ساختار ژنومیک من حذف نمی‌شود، یا خودم را وارد فاز بیماری می‌کند یا نوه و نتیجه‌های سال‌های بعد را بیمار می‌کند.

در زنان ایرانی اولین سرطان، سرطان سینه است و در مردان ایرانی اولین سرطان، سرطان پروستات است، قبل‌تر سرطان معده برای مردان اولین بود، اما الان جایگاه سوم را میان مردان و جایگاه چهارم را میان زنان ایرانی دارد، یعنی سرطان معده عقب‌نشینی کرده است. سرطان معده در کشورهای غربی هم به جایگاه چهلم عقب‌تر رفته، دلیل این عقب‌نشینی سرطان معده رشد اجتماعی و اقتصادی دنیا است، چراکه مثلاً الان تقریباً همه‌جا بیخچال وجود دارد و غذاها کمتر نمک‌سود می‌شوند. البته سرطان معده هنوز کشنده‌ترین سرطان در زن و مرد ایرانی است.

بعد از پروستات سرطان روده بزرگ جایگاه دوم را گرفته است، یکی از دلایل آن رفتار ما است، الان شاید کسی پادش نباشد آخرین باری‌که سبزی خورده چه روزی بوده است، همین سبب شده مواد مدفوعی در شکم باقی بمانند و فلور میکروبی بهم بخورد.

تعداد برخی سرطان‌ها هم دارد بیشتر می‌شود، مانند سرطان تیروئید، آن‌هم برای این است که امروزه ما زودتر می‌توانیم این نوع سرطان را شناسایی کنیم.

چهار سرطان ویژه ه زنان است، سرطان رحم، دهانه رحم، تخمدان و البته سرطان پستان. بین سرطان دهانه رحم در کشور ما و سرطان دهانه رحم در سایر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای غربی اختلاف وجود دارد، این سرطان با این‌که سرطان ویژه زنان است اما میان مجموع سرطان‌های زنان و مردان چهارمین سرطان کشنده در جهان محسوب می‌شود درحالی‌که کشندگی آن در ایران جزو ده سرطان اول نیست، ۱۰ سال پیرتر از کشورهای غربی پیدا می‌شود درحالی‌که ما در پیدا شدن تمام سرطان‌ها ۱۰ سال جوان‌تر از سایر کشورها هستیم، چون جمعیت ما هنوز به پیری غربی‌ها نرسیده است. علت این مسئله اختلاف فرهنگی است، یک ویروسی به‌نام HPV وجود دارد که ویروس انسانی زگیل ساز است، این ویروس سرطان دهانه رحم ایجاد می‌کند اما اصلاً به این معنا نیست که عامل دیگری سرطان دهانه رحم ایجاد نمی‌کند. در غرب به‌دلیل این‌که آن‌ها روابط جنسی زودتر از ازدواج دارند و بعد از ازدواج مقید هستند، از زنان خواسته شده واکسن HPV را تزریق کنند، اما افرادی که این واکسن را تزریق می‌کنند فکر می‌کنند برای داشتن رابطه آزاد هستند درحالی‌که عوامل دیگر ابتلا به سرطان همچنان وجود دارد، نگرانی من این است که این فرهنگ در ایران جا بیفتد و به دختران ظام شود.

الان درباره تزریق این واکسن خیلی تبلیغ می‌شود.
برای این‌که گارد سیل را وارد ایران کردند میلیون‌ها تومان می‌فروشدند و تبلیغ می‌کنند همه دخترها تزریق کنند، یعنی از یک میلیون تولد ۵۰۰ هزار نفر آن‌ها دختر هستند، سالی ۵۰۰ هزار واکسن که هر کدامش ممکن است از ۲ میلیون و بیشتر قیمت داشته باشد چقدر می‌شود، آیا واقعا این پول را باید به گارد سیل داد؟ مردم حواس‌شان باشد خانواده را از دست ندهند.
آقای دکتر اخیراً درباره مهاجرت پزشک‌ها هشدار و نگرانی وجود دارد، نظراتان چیست؟

من عدد و رقم ندارم، اما شاهد می‌شود، یک مطالعه در ۱۵۹ کشور جهان سوم بر روی ۳۶ سرطان انجام شد، آن‌جا گفته شده اگر ما برای پیشگیری از بروز سرطان ۱۰ وظیفه دراند که در ژن تغییراتی ایجاد کنند، ژن‌ها فرماندهی حیات در دنیا را به عهده دارند، هر انسانی با ۳۰ هزار ژن ساختار ژنی متفاوتی با انسان دیگر دارد، هر ژن از یک زنجیره DNA درست می‌شود که فقط چهارتا اسید بازی در آن بازی می‌کنند، اگر ترکیب این چهارتا تغییر کند بیمار سرطان می‌گیرد، ژنی‌که می‌خواهد متحول شود یک پروتون یا الکترون در آن جای‌جا می‌شود، آن عوامل خطر مانند سیگار و آلودگی هوا تلاش می‌کنند این پروتون را با ایجاد قطب‌های مخالف جای‌جا کنند، گاهی اوقات موفق می‌شوند و اگر من عمر کافی داشته باشم بالاخره سرطان خواهم گرفت. اما اتفاقی‌که حتماً می‌افتد این است که هرگز این اتفاق سو از ساختار ژنومیک من حذف نمی‌شود، یا خودم را وارد فاز بیماری می‌کند یا نوه و نتیجه‌های سال‌های بعد را بیمار می‌کند.

سرطان تر خج ترین و بیچاره‌کننده‌ترین بیماری از منظر اجتماعی است، در مواجهه با سرطان

رئیس مرکز تحقیقات سرطان در کافه خبر خبرنگارآین گفت: «درحال حاضر ۷۰درصد سرطان‌ها در کشور ما درمان می‌شود، ۳۰ درصد باقی مانده هم درمان‌های لازم را می‌گیرند و ممکن است موفقیت‌آمیز باشد. مردم باید به همین نسبت ترس‌شان کمتر شود، چراکه هم خودشان آگاه‌تر شدند و هم علم ما نسبت به درمان بهتر شده است.»

نام سرطان درمان‌های سخت و طولانی مدت را در ذهن تداعی می‌کند، بعید است کسی نام سرطان را بشنود و مثلاً یاد شیمی درمانی یا هزینه‌های زیاد درمان نیفتد، گاهی هر دوره درمان تا ۷۰ میلیون تومان هزینه دارد و خیلی‌ها مجبور شده‌اند برای تهیه دارو و بخش زیادی از دارایی خود را بفروشند، «آیا واقعا دارویی که یک دوره درمان آن ۷۰ میلیون تومان است توان این را دارد یک سال به عمر بیمار اضافه کند؟» رئیس مرکز تحقیقات سرطان در دانشگاه شهید بهشتی تهران با طرح این پرسش به این روش‌های درمانی نقد دارد، او می‌گوید: «باید عالمانه‌تر و دلسوزانه‌تر راجع به بیماران مبتلا به سرطان حرف بزنیم وگرنه مجبور می‌شود برود خانه و فرش و طلاهای همسرش را بفروشد و بعد هم نتیجه نمی‌گیرد.»

محمد اسماعیل اکبری بیان می‌کند: «در کشور ما هنوز دلار ۵۰ هزارتومانی را جایی خرج می‌کنیم که یک قران به درد مریض نمی‌خورد،

اما کانادایی و سوئدی این کار را نمی‌کند. ۳۰ درصد بیشتر از دنیا شیمی درمانی داریم و ۹۴.۷ درصد ام‌آر‌آی زیادی تجویز می‌کنیم، الان چند درصد پول‌ها در شیمی درمانی مصرف می‌شود؟ چیزی حدود ۷۲ درصد، این یعنی کم‌قلی، پول جایی‌که باید آموزش و تربیت بدهد نمی‌رود بلکه به سمت شرکت‌های دارویی می‌رود.»

این فوق تخصص جراحی غدد سرطان از دانشگاه چانزهایکنگز آمریکا در ادامه گفت‌وگو از دلایل ابتلا به سرطان، تاثیر روش‌های درمانی و البته سرطان‌های شایع در ایران و جهان می‌گوید: شما می‌توانید متن کامل گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

علیرغم همه پیشرفت‌های علم پزشکی، اما هنوز مردم از سرطان می‌ترسند، فکر می‌کنید چرا؟

من درباره بیماران خودم بگویم، آن‌ها از سرطان نمی‌ترسند؛ ما حتی مسیر درمان را طی می‌کنیم، مبحث بیماری‌رانی که اول می‌ترسند در ادامه ترس‌شان می‌ریزد. به‌هرحال سرطان اسم سختی دارد، این اسم به معنای خرچنگ است، معلوم است کسی‌که این اسم را انتخاب کرده چندان از بیماری خوشش نیامده و سرطان را یک بیماری مهاجم و غیرقابل کنترل تصور کرده است، الان هم این تصویر از سرطان وجود دارد اما قدرت مقابله ما هم با سرطان بسیار بالا است. اگر علمی کار کنیم ۴۰ درصد سرطان‌ها را می‌توانیم مهار کنیم، ۴۰ درصد دیگر را هم می‌توانیم درمان قطعی کنیم، می‌ماند ۲۰ درصد که سعی می‌کنیم با هم بسازیم.

بگذارید این‌طور بگویم درحال حاضر ۷۰درصد سرطان‌ها در کشور ما درمان می‌شود، ۳۰ درصد باقی مانده هم درمان‌های لازم را می‌گیرند و ممکن است موفقیت‌آمیز باشد. این نسبت ۷۰ به ۳۰ در تمام کشورهای جهان همین است. ما حدود دوازده سال قبل یک مطالعه انجام دادیم که این نسبت وارونه بود، یعنی در پایان سال فقط ۳۰ درصد به درمان می‌رسیدند، درصورتی‌که الان برعکس است، لذا مردم باید به همین نسبت ترس‌شان کمتر شود، چراکه هم خودشان آگاه‌تر شدند و هم علم ما نسبت به درمان بهتر شده است.

پیشگیری از سرطان یک کار حاکمیتی و حکومتی است، به این

ماچرا هستم. به‌علت این‌که من اسم و رسمی در جاهای مختلف دنیا دارم می‌بینم که بچه‌های با سوادی که ما با خون و دل تربیت می‌کنیم می‌خواهند با من کار تحقیقاتی انجام دهند مقاله چاپ کنند که رزومه کاملی داشته باشند برای مهاجرت کردن، این برای سن و سال من خیلی غصه است، عدد ندارم بگویم چند درصد اما آن‌قدری هست که نگران شویم. من الان کم

آدم گیرم می‌آید که جای خودم بگذارم و بروم، یعنی جوان کم شده است. مهاجر فرستی و مهاجر پذیری برنامه‌ریزی لازم دارد، در مجله نست اعلام کرد در چند روز قبل از حمله روسیه به اوکراین، بیش از ۵ میلیون ۳۰۰ هزار نفر اوکراینی به آمریکا برده شدند، چند روز قبل در سازمان ملل جلسه‌ای بود و نماینده یکی از کشورها اعلام کرد ۶ میلیون نفر اوکراینی آواره شدند، آمریکا چه برنامه‌ریزی‌ای انجام داده که ۶ میلیون نفر را ببرد، شما ببین می‌توانی برای ۱۰۰ هزار نفر این برنامه را داشته باشی؟ برای افغانستان هم همین کار را انجام داد، آن هواپیمایی که همه دیدند آخرین هواپیمای بود، بالای ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر افغانستانی فقط در همان زمان خارج کردند، من کاری با خوب یا بد بودن ماجرا ندارم فقط می‌خواهم بگویم آن‌ها برای جذب برنامه دارند. من معتقدم ما برنامه‌ای برای جذب ندارم و یک ذره بی‌برنامه‌گی برای دفع داریم، من می‌دانم و به یقین می‌گویم که ۸ میلیون یا یک قومیتی در کشور ما زندگی می‌کنند که خوش آمدند، اما من در اوراق کشورم نمی‌بینم که برنامه داشته باشد، این خوب است یا بد است؟ الان غصه مهاجرت دکترا

را می‌خورند اما من غصه عموم مردم دارم، کسی‌که بیج و مهره درست می‌کند حرمت نمی‌نارد، او نباشد کار کشور نمی‌چرخد، بنابراین فقط پزشک‌ها نیستند که مهاجرت می‌کنند، اما ما هیچ برنامه‌ای نداریم، برای آن ۸ میلیون‌که ایران هستند برنامه نداریم، من خیلی دلم می‌خواهد کنکاش عمیقی دراین‌باره شود، علت‌شناسی صورت بگیرد، انشاءالله این مسئله هم مورد عنایت قرار بگیرد.

از مقامات کشور کسی برای درمان سرطان از کشور خارج می‌شود؟

من ندیدم. اخیراً هم شنیده شد که آقای نیری (حسینی‌نیری، معاون سابق دیوان عالی کشور) برای درمان به آلمان رفتند که معلوم شد اشتباه بود، چند روز قبل هم خودم همسر یک وزیر را جراحی کردم. درباره بیماری مرحوم آیت‌الله شاهرودی که رئیس قوه قضائیه بودند، ایشان اول رفتند سراغ دکترهای گیاهی، بعد به ما مراجعه کردند، قرار گذاشتیم که عمل کنیم اما ایشان عمل نکردند، سه سال بعد حال‌شان بدتر شد، مراجعه که کردند برنامه این شد که شیمی درمانی و جراحی کنیم، بار اول که مراجعه کرده بودند شیمی درمانی هم نمی‌خواست. داماد ایشان گفت که در خارج با داروی غیرپزشکی درمان را پیگیری کنند، پیشنهاد چین را داده بودند، برای طب سوزنی در چین استخاره کردند که بد آمد اما در مقابل طب سوزنی آلمان خوب آمد، به آلمان رفتند و سه روز و نصفی آلمان بیشتر نماندند، چراکه آن دکتر در آلمان گفته بود با کار ما نمی‌شود برای این بیماری اقدامی کرد.

ایشان در بیمارستان دکتر سمعی بستری نشدند؟
خیر بستری نشدند، وزیرای ایشان برای خارج شدن از آلمان مشکل داشت، بعد از طب سوزنی پروفیسور سمعی ایشان را بردند بیمارستان و بعد از یکی دو روز برگشتند ایران، وقتی ایران برگشتند به ما مراجعه کردند اما من دیگر عمل نکردم چراکه نتیجه‌ای نداشت، گفتند چه‌کسی عمل می‌کند ارجاع دادم به دکتر فاضلی‌که پزشک قابل احترام و از من ۱۰ سال جوان‌تر است.

پرواز دل به سوی خدا



بقعه شیخ تاج الدین محمد خوی

یک‌رنگ تزئین شده، این گنبد با حاشیه بندی کاشی های ترک ها و نقش و نگار هندسی و حاشیه سیاه رنگ و لچکی سفید و نقوش منظم و قرینه سازی جلوه ویژه و زیبایی دارد. «آرامگاه محمد بن جعفر طیار» مربوط به دوره تیموریان هست.

بقعه امامزاده عقیل

از نوادگان حضرت عباس بن علی بن ابی طالب (ع) است. بقعه او در خیابان شهید مدنی اسلام شهر واقع شده. بنای بقعه در مساحتی حدود ۲۷۰۰ متر مربع قرار دارد. پلان بنا مستطیل شکل دارای گنبدی خشتیه. نمای بیرونی بقعه با کاشی های معرق آبی، زرد و فیروزه ای رنگ پوشیده شده و بر روی کاشی ها کتیبه های زیادی به خط کوفی و نستعلیق وجود دارد. ضریح مشبک روی مرقد در سال ۱۳۲۲ در اصفهان ساخته شده و در حرم مطهر نصب شده. اصالت بنای بقعه به دوره صفویه بر می گردد و در دوره های قاجاریه و معاصر هم مرمت قرار گرفته و قسمت هایی به آن افزوده شده. نام این بقعه در فهرست آثار تاریخی میراث فرهنگی استان تهران به ثبت رسیده.

بقعه بی بی سیده خاتون

در شمال شرقی شهرستان شهرضا، آرامگاه خاتون صالحه و خیره از

دزفول به شکل گنبدی خیاری بوده. ساختمان بقعه با گنبد خیاری از آثار دوره تیموری و سلجوقیه و بی شک آگه بقعه سبز قبا رو معدوم نکرده بودن به اثر هنری معماری در دزفول بیش از امروز باقی بود.

بقعه شیخ علی بابا

این زیارتگاه به بقعه شیخ علی بابا(ره) معروفه و در روستای سکنج شهر ماهان در استان کرمان، واقع شده. او از عرفای قرن نهم هجری بوده که به زهد و تقوی و کرامت معروفه. برخی اعتقاد دارند که او از نوادگان حضرت امام موسی بن جعفره. بنای قبلی بقعه شیخ علی بابا از خشت و گل بوده، که بعد از تخریب، به جای آن بنایی باشکوه با ایوان رفیع، گنبد بلند، رواق، حرم و صحن ساخته اند. چهار درب ورودی مرقد، توسط حاج احمد عظیم پور فرزند حسینخان نوراللهی کرمانی در تاریخ ۱۳۱۱/۷۴ به بقعه اهدا شده.

ساختمان این بقعه تا کنون سه بار بازسازی شده. بنای اولیه از حدود قرن ۹ هجری تا اوایل دوره قاجار موجوده. در دوره ناصر الدین شاه توسط میرزا محمد علی رئیس نظام کرمان بنای این ساختمان ساخته شده که متأسفانه در زلزله سال ۱۳۶۰ هجری شمسی، آسیب جدی دیده، سه سال بعد با نظر کارشناسی دفتر میراث فرهنگی کرمان بازسازی آغاز شد، ولی چون قسمت زیادی از بنا یکدفعه فروریخت، نتوانستن کار رو ادامه بدن. ساختمان قدیمی رو خاکبرداری کرده و بازسازی فعلی آغاز شد.

بقعه عون بن علی



بقعه هفت دختران

بقعه شیخ تاج الدین محمد خوی

یکی از دیدنی های شهر آستارا مقبره تاریخی شیخ محمد خوی هستش. این بنا در خارج از شهر، بالاتر از جاده کمر بندی، دهستان عنبران محله، روستای شیخ محمود محله قرار گرفته. تاریخ ساخت این بنا، براساس نوشته دونالد ویلبر، که او هم از آندره گدار نقل کرده، مربوط به سال ۷۰۰ هجری قمریه. بنا از جنس آجر و سنگ ساخته شده به این صورت که نیمی از دیواره ها از گف تا کمرکش دیوار سنگی و مابقیه از آجر هستند. در اطراف بنا، سنگ قبرهای قدیمی زیادی دیده می شه که بیشتر آنها دارای کتیبه های تاریخی به خط نسخ هستند. بنا از داخل دارای سه نورگیر، در جهات اصلی بجز ضلع ورودیه. اهالی روستا نسبت به این بنا حساسیت خاصی دارند و از هر کدامشان که در مورد بقعه و تاریخچه آن سوال کنی با غرور در مورد این میراث منطقه صحبت می کنن.

بقعه هفت دختران

بقعه هفت دختران در خیابان سیروس، مقابل پمپ بنزین، کوچه درویش نوری واقع شده. به گفته متولی این بقعه تاریخ آن به ۱۳۰۰ سال پیش، می رسه. این بقعه آرامگاه هفت تن از دختران امام موسی کاظم (ع) است. طبقه اول این بقعه در سال ۱۳۵۱، به همت حاج سیدمصطفی نجات ساخته شده و قبرهای اصلی در زیرزمین واقع شده. مساحت بقعه حدود ۳۰ مترمربعه.

بقعه شاه رکن الدین

در مرکز شهر دزفول و در نزدیکی خیابان طالقانی فعلی در دل بافت قدیم این شهر، آرامگاه تاریخی شاه رکن الدین واقع شده. صاحب مقبره سید علی فرزند بهاء الدین معروف به بابا رکن الدین ولی (شاه رکن الدین) عارف و زاهد قرن هشتم هجریه. گنبد این مقبره، نیلگون و مخروطی شکل با چهارده ضلع هست که در بالای درب جنوبی پلکان، خواجه نشین و طاق نمایی وجود داره که بالای دو گلدسته ساخته شده. این مجموعه شامل آرامگاه، مسجد، مدرسه و حمام هست و همچنین آورده شده که ساختمان گلدسته ها در دوره قاجاریه ساخته شده و بنای بقعه و گنبد مربوط هم به دوره تیموریان در زمان سلطنت شاهرخ میرزا فرزند امیر تیمور نسبت داده می شه.

بقعه شاه قلندر

در ۵۰ کیلومتری سرچشمه انجدان اراک بقعه شاه قلندر در دامنه کم شیب کوه قرار داره. این بقعه مربوط به دوره ایل خانیه، که ریاست فرقه اسماعیلیه رو بهمه داشته، این بقعه در داخل باغ روستای انجدان و در ۵۰ کیلومتری سرچشمه و سراب معروف انجدان قرار داره. بنای بقعه باشکوه و ۸ ضلعیه، که در هر ضلع بنا یک طاق نمای بلند آجری که داری ۴ در ورودی در چهار جهته قرار داره. گنبد بقعه دو پوش و آجری بوده و پوشش خارجی آن به شکل هرمی شانزده طرفه و ساقه گنبد دارای شانزده ضلع و چهار نورگیر با پنجره های مشبک چوبی در چهار جهت اصلیه، ارتفاع بقعه به پنج متر می رسه و ارتفاع گنبد و ساق آن به شش متر می رسه.



بقعه عون بن علی



بقعه شاه رکن الدین



بقعه شاه قلندر



بقعه شیخ بایزید بسطامی



بقعه محمد بن جعفر طیار (ع)

بقعه عون بن علی شهرستان فومن در گیلان از جلوه ویژه های برخوردار است و به عنوان محور بقاع منطقه و محل اصلی تجمعات مذهبی ساکنان شهرک تاریخی ماسوله به شمار می آید.

طبق شجره نامه موجود این بقعه متبرکه آرامگاه پسر محمد حنفیه (یا محمدبن حنیف) از نوادگان حضرت علی(ع) است که در اوایل قرن سوم یا چهارم و شاید ششم هجری همزمان با ورود امامزاده ابراهیم(ع) شفت، امامزاده هاشم(ع) رشت و نیز سید جلال الدین اشرق(ع) آستانه اشرقیه به این ناحیه روی آورده بود.

این بقعه در مجموعه های مذهبی، مرکب از خود بقعه میان و مسجد جامع در جوانب شرق و غرب جای گرفته است؛ گنبدی بر روی این فضا وجود دارد که ارتفاع صحن امامزاده تا زیر طاق گنبد اول بیش از ۴ متر است؛ گنبد بقعه حالتی شلخی دارد که امروزه آن را با حلب پوشانده اند؛ دو مناره جدید در اطراف گنبد این مسجد احداث کرده اند و قسمت بیرون و داخل امامزاده، دارای طاق نماهایی با آجرکاری است.

در مورد تاریخ بنای این بقعه و تاریخ دقیق شهادت حضرت عون بن علی(ع) سند معتبر و مکتوبی یافت نشده است؛ این بقعه در دهه ۱۳۶۰ توسط مرحوم خلیل حاتمى ماسوله که ریاست هیئت امنای این بقعه را در دست داشت، تجدید بنا شد و جزو ۱۲۰۰ بقعه شاخص در آثار تاریخی ایران جای دارد.



بقعه شیخ علی بابا

قدیمی در اون دیده نمی شه. یک شجره نامه در دفتر بقعه بر لوحی روی کاغذ نوشته شده و در این لوحه بنا به روایت سید نعمت الله شوشتری در کتاب «المجموعه» صاحب بقعه رو برادر حضرت امام رضا علیه السلام خوانده که غریب به شهر دزفول آمده و میهمان زنی به اسم زییده بوده که فرزند او بر اثر دعای سید سزقبا بهبود یافته.

سید سزقبا قبل از وفاتش به آن زن وصیت کرده که نامه اون رو به حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) که از راه دزفول عازم خراسان بوده، برسونه. مطلعین دزفول می گن که بقعه سزقبا مثل بقعه عباس علی

خاندان آل مظفر بوده که به همراه ۷۲ تن از یارانش به این دیار آمده و به دست امیر تیمور به شهادت رسیده و یکی از مکان های زیارتی با قدمتی در حدود ۸۰۰ سال در شهرستان شهرضاست. روایات متعددی درخصوص اصل و نسب ایشان نقل شده، برخی ایشان رو از زنان سیده و شجاع دوران آل بویه می دانند و برخی ایشان رو از زنان سیده و عالمه زمان خود، از خاندان آل مظفر و مدافع دین و مذهب می دانند که با نوعی نیرنگ به دست حکام ظالم وقت به شهادت رسیده.

بقعه شیخ بایزید بسطامی

در شمال غربی مرکز شهرستان هشتروند و در مجاورت اتوبان زنجان - تبریز و در روستای عزیز کنندی قرار داره. معماری گنبد هشت ضلعی این بنا، شبیه به گنبد سرخ مراغه و گنبد علویان در همدانه. این بقعه در ضلع غربی روستا قرار داره و دارای پلان ۸ ضلعی با قطر داخلی ۴/۵ متر و قطر خارجی ۶/۵ متره. این بقعه دارای گنبد می باشد و تزئینات داخلی از گچ کاریه و خارج بنا نمای آجری داره که به نظر می رسه در دوره های بعدی بازسازی شده.

بقعه سزقبا

در کنار خیابان امام خمینی بعد از خیابان بسی متری دزفول بقعه معروف به سزقبا قرار گرفته که بنای اون کاملا نوسازی شده و هیچ اثر



بقعه امامزاده عقیل

بقعه محمد بن جعفر طیار (ع) در فاصله پنج کیلومتری شهر دزفول، در شهرکی به این اسم قرار داره و یکی از زیارتگاه های مهم شهرستان دزفول به شمار میره. صاحب بقعه فرزند جعفر طیار پسر عموی امام علی علیه السلام و داماد امام علی علیه السلام (شوهام کلثوم) هست که در سال ۱۹ هجری قمری در جنگی که برای فتح شوشتر در این منطقه صورت گرفته بود به همراه سپاه اسلام به عنوان یکی از فرماندهان سپاه اسلام به این منطقه آمده بود. بقعه دارای گنبدی ۱۲ ترک هست که با کاشی سبز رنگ ساده و

صاحب امتیاز: مهدی رودگر
 مدیرمسئول: مهدی رودگر
 قائم مقام مدیر مسئول: محمد نجفعلی زاده
 سردبیر: زهرا نجف پور
 سرویس ورزشی: فرشید شیر کوند
 طراحی و گرافیک: حسین ناصر

نشانی دفتر: خیابان بهشتی نرسیده به سپهرودی
 جنب بانک شهر پلاک ۸۷ طبقه دوم غربی
 کد پستی: ۱۵۱۴۶۱۶۳۱۷ | تلفن: ۲۸۴۲۰۸۸۶- | فکس: ۲۸۴۲۰۸۸۶
 آدرس اینترنتی پایگاه خبری www.eghtesadejavannews.ir
 آدرس سایت نشریه www.eghtesadejavan.ir

هدیث

از رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده که فرمود:
طَلَبُ الْخَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ
 کار کردن برای کسب روزی حلال، بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.
 جامع الاخبار (شمیری) ص ۱۳۹

چاپ: چاپخانه شاخه سبز

نشست تخصصی جشنواره فیلم کوتاه تهران...

علی ملاقلی پور: استاد مهرجویی در شرایطی اجاره نشین ها را ساخت که خود استاد فلسفه بود

و این اتفاق درباره این فیلم صورت گرفته بود.

در ادامه، علی ملاقلی پور به دشواری تولید فیلم کم‌دی اشاره کرد و گفت: تولید کم‌دی یک ماجرای دشوار است و اگر مسیر تولید آن به‌درستی محقق نشده باشد می‌تواند کارگردان و نویسنده را زمین‌گیر کند و اصلاً کم‌دی نباشد. به‌نظرم دشواری این ژانر با تمام ژانرها فرق دارد و اگر بمب خنده‌ای که قرار است از مخاطب خنده بگیرد عمل نکند، کار لوس می‌شود.

وی طراحی موقعیت برای خنده را دشوار دانست و افزود: طراحی چنین صحنه‌هایی بسیار خطرناک است چون بسیاری از صحنه‌ها وجود داشته است که نتوانسته نتیجه مطلوب را حاصل کند به‌خاطر همین دقت در فیلم‌نامه و تمام مراحل تولید مهم است.

کارگردان فیلم موفق و جذاب قندون چه‌بیزه، به تشریح علت موفقیت فیلم‌های کم‌دی پرداخت و تأکید کرد:

علت خنده گرفتن در فیلم کم‌دی به دلیل آن است که قهرمان با جدیت به‌دنبال رفع یک مشکل است ولی سطح فکری او مقداری از سطح فکری عموم جامعه پایین‌تر است و به خاطر همین رفتاری را نشان می‌دهد که برای مخاطب خنده‌آور است.

ملاقلی پور موفقیت رضا عطاران و جواد عزتی در آثار کم‌دی را به دلیل جدیت در بازیگری دانست و تأکید کرد: برخی فکر می‌کنند حرکت‌های چپ‌خنده‌آور است که چنین نیست؛ حرکت چپ‌در کم‌دی خنده‌نی‌آورد بلکه جدی بودن و فعل و انفعالاتی که نوعی بی‌سورگی در آن وجود داشته باشد علت خنده می‌شود. معتقدم اگر بازیگر آگاه باشد که قرار است در فیلم ابلهانه بازی کند، سوخت می‌شود.

او درباره خروجی اردوی همدان که به‌همت انجمن سینمای جوانان ایران با حضور فیلمسازان جوان صورت گرفته است، گفت: فکر می‌کنم فیلم ما

در این اردو به‌اندازه لازم و در حد یک فیلم کوتاه خنده گرفته و اتفاقی که قرار بوده، رخ داده است.

این کارگردان سینما مراحل تولید این فیلم کوتاه را تشریح کرد و گفت: ما در فرایند تولید فیلم اردوی همدان تقسیم‌کار درستی انجام دادیم و فیلم را به‌نوعی در یک همکاری مشترک تولید کردیم.

ملاقلی پور با تأکید براینکه نباید رسالت فیلم کم‌دی را صرفاً خنده گرفتن دانست بلکه باید قصه درست داشته باشد و گره‌گشایی کند، گفت: در زمینه فیلم کم‌دی باید آثار نقدانه تولید شود چراکه یکی از کارکردهای کم‌دی نقد کردن است.

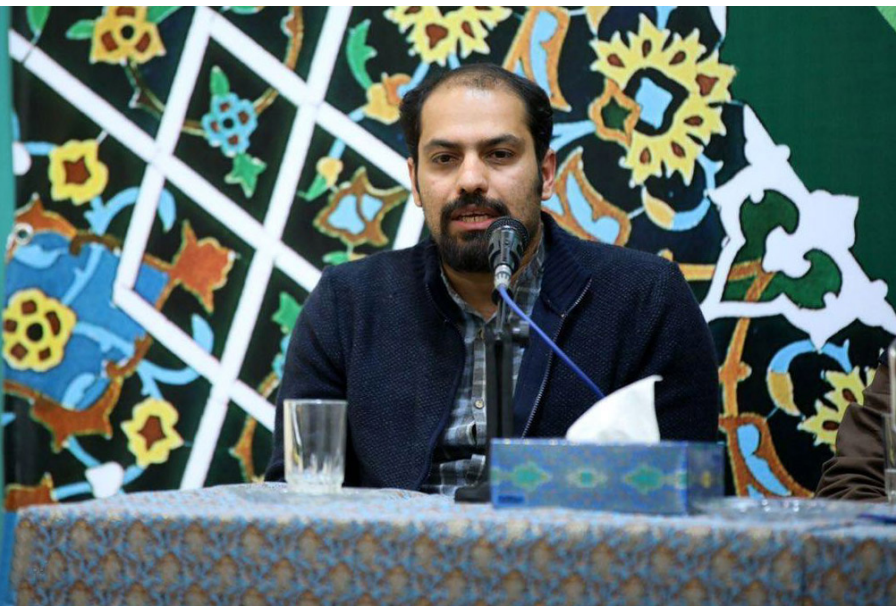
او فیلم اجاره‌نشین‌ها از زنده‌یاد داریوش مهرجویی را یک الگوی موفق از کم‌دی نام برد و افزود: یکی از دلایل موفقیت فیلم اجاره‌نشین‌ها استاد مهرجویی بخاطر نقد درستی بود که داشت. این فیلم در یک جایگاه درست

نقد می‌کند و همین باعث شده است کمتر فیلمی بتواند از حیث محتوا به آن نزدیک شود.

این کارگردان خاطرنشان کرد: یکی از آفت‌های کم‌دی این است که در فیلم‌نامه‌ها هیچ چیزی برای ارائه نداریم. مرحوم استاد مهرجویی در شرایطی اجاره نشین‌ها را می‌سازد که خودشان استاد فلسفه بوده است و با اهل فکر و افرادی مثل احمد فرید در ارتباط است و همین‌ها موجب موفقیت ایشان است.

ملاقلی پور با طرح این پرسش که چرا اندیشمند شامخی نخریم، گفت: آیا دوران کنونی، دوران فقدان اندیشمند است؟ باید ارتباط فیلمساز و اندیشمندان شکل بگیرد و در این صورت آثار سینمایی شاخص و ماندگاری شکل می‌گیرد.

او روند تولید فیلم اردوی همدان را شرح داد و گفت: ما به‌همراه اعضای گروه کم‌دی باید سادتر از مولودار باشد چراکه



وجود داشت را در این فیلم کوتاه اجرا کردیم، من تجربه‌ای اجرای این فرمول‌ها را در فیلم «قندون چه‌بیزه» داشتم و جواب گرفتم به همین دلیل یقین داشتم موفق خواهیم شد.

این کارگردان چگونگی استفاده از رنگ، نور و طراحی صحنه در فیلم کم‌دی را تشریح کرد و گفت: رنگ در کم‌دی باید سادتر از مولودار باشد چراکه رنگ در مخاطب و تماشاچی اثر مثبت می‌گذارد.

ملاقلی پور بازنویسی فیلمنامه و مشورت‌پذیری را از مولفه‌های موفقیت در جایگاه کارگردانی دانست و عنوان کرد: این ما هستیم که در جایگاه کارگردان باید مکان دوربین را تعیین می‌کنیم و برای هر صحنه فلسفه و دلیل مناسب و منطقی داشته باشیم.

او اردوی فیلمسازی همدان را یک تجربه خوب توصیف کرد و افزود: تیم پشتیبانی و لجستیک انجمن سینمای جوان همدان در این اردو با تمام امکانات و ظرفیت پای کار آمدند و تمام توان را به میدان آوردند. من در این اتفاق احساس کردم تمام آندوخته‌ها و تجربیات خودم را در فیلمسازی منتقل کردم.

خواننده ای که مافیا شد!

فرزاد فرزین: در کشورهای مدرن هم مردم بیشتر به سمت نمایش خانگی می‌روند

بازی و علاقهای که به این بازی داشته، برایم جذاب بود که در آن حضور داشته باشم. زودیاک، یک بازی استنتاجی است که نحوه بازی در آن با حالت رئال بازی، فرق می‌کند. ما به نظرم برنامه چالبی است و خدا را شکر مردم هم با آن ارتباط برقرار کرده‌اند.

این خواننده موسیقی پاپ، خودش را مخاطب پروپاقرص نمایش خانگی دانست و افزود: هر کار خوبی که در نمایش خانگی منتشر شود را دنبال می‌کنم. خودم هم تجربه چندین کار در نمایش خانگی را دارم و از تجربه این فضا راضی بوده‌ام.

بازیگر نقش بهرام در سریال مانکن، با اشاره به تفاوت فضای نمایش خانگی با سینما، نمایش خانگی را پر مخاطب‌تر دانست و افزود: در سال‌های اخیر، نمایش خانگی بیشتر رشد می‌شود. در کشورهای مدرن هم مردم بیشتر به سمت نمایش خانگی می‌روند و مجموعه کاملی است برای کسانی که می‌خواهند یک فضای تصویری کامل در زمینه‌های مختلف فیلم و سریال، برنامه‌های ورزشی و موسیقایی را دنبال کنند. وی ایجاد تنوع در تولیدات نمایش خانگی و گسترش محصولات در حوزه‌های ورزشی و موسیقی را اتفاق مثبتی دانست و اظهار کرد: این‌کار جزو قواعد کار وی او‌دی‌هاست و در مثبت بودن هیچ شکی نیست. در همه جای دنیا هم طرفدار دارد. بحثی که باید مورد توجه باشد، کیفیت تولیدات است. اگر برنامه‌ها در حوزه‌های مختلف مانند موسیقی، رئالیتی شو، آموزش و حتی کودک و سایر حوزه‌ها با کیفیت بالا تولید و پخش شوند، قطعاً این اتفاق مثبت است. به نظر من در زمینه ساخت برنامه‌های مربوط به موسیقی، کمی ضعف وجود دارد چون کسی که این برنامه‌ها را می‌سازد باید خودش هم در موسیقی سررشته داشته باشد که برنامه با کیفیت بهتری ساخته شود.

او در ادامه به محتواهای ایرانی که مشابه برنامه‌های خارجی هستند اشاره کرد و کی‌برداری موفق از ایده‌های خارجی را اتفاق مثبتی دانست و تشریح کرد: در خیلی از کشورها تولیدات مشابه و کی‌برداری از برنامه‌های پرطرفدار وجود دارد. اگر به شکل درست از برنامه‌های معروف دنیا، کی‌برداری کنیم و بتوانیم با کیفیت خوبی، آن‌ها را بسازیم، به مخاطبیمان احترام گذاشته‌ایم.

فرزین در پایان درباره فعالیت خود در شبکه نمایش خانگی و سینما توضیح داد: من از سال ۸۵ روی پرده سینما بوده‌ام، اما دلیل برکارت شدنم، تصمیمی قطعی است که درخصوص کار تصویر گرفته‌ام و می‌خواهم در فیلم و سریال‌های بیشتری دیده شوم و الان در حال کسب تجربه‌ام. اما به طرز کلی از نظرم دو حوزه موسیقی و بازیگری، با هم ارتباط و تداخلی ندارند.

البته که ممکن است زمان همدیگر را کمی بگیرند اما مدیریت کردن آن به خود فرد برمی‌گردد که من تلاش می‌کنم در این دو حوزه مفید کار کنم. امیدوارم در آینده، کارهای بهتری در حوزه بازیگری انجام دهم.

این روزها بازی مافیا نه تنها در ریالیتی شوهای شبکه خانگی، که در محافل دوستانه و خانوادگی نیز به یک بازی محبوب تبدیل شده است و شاید هم دلیل ساخت این همه مسابقه بر پایه این بازی، همین محبوبیت باشد. چهره های هنری متعددی هم در این سالها در مسابقات تولیدشده مافیا حضور داشتند. فرزاد فرزین که یکی از خوانندگان محبوب عرصه موسیقی است، یکی از حرفه ای های این بازی به شمار می رود. او درباره فعالیتش در حوزه بازیگری معتقد است، دو حوزه موسیقی و بازیگری، با هم ارتباط و تداخلی ندارند و دلیل پرکارت شدن او، تصمیمی قطعی است که در ارتباط با کار تصویر گرفته و می‌خواهد در فیلم و سریال‌های بیشتری دیده شود. فرزاد فرزین که سابقه حضور جلوی دوربین در مقام بازیگر را در سریال‌هایی همچون مانکن، عاشقانه و ملکه گدایان دارد، در رئالیتی شو شبهای مافیا زودیاک به عنوان بازیکن، حضور داشته تا در کنار موسیقی و بازیگری، حوزه سرگرمی را هم به تجربه‌هایش اضافه کند.

فرزاد فرزین در گفتگویی کوتاه با دنیای جوانان با بیان اینکه مافیا بازی مورد علاقه‌اش است به حضورش در شبهای مافیا اشاره کرد و گفت: یکی از تفریحات من، بازی مافیاست. در این سال‌ها، حضور در سری‌های مختلف این بازی به من پیشنهاد شده بود، اما بنا به دلایلی، نمی‌خواستم در رئالیتی‌شو حضور داشته باشم و حتی ممکن است که «شب‌های مافیا» آخرین رئالیتی‌شوی غیرموسیقایی باشد که در آن شرکت می‌کنم. اما این بار با توجه به سناریوی

موسیقی در فیلم و سریال‌های ایرانی و خارجی همانقدر با هم قابل مقایسه هستند که آثار ایرانی با خارجی. تصور من این است که چند سال اخیر موسیقی در ایران رشد قابل توجهی داشته و شاید نسبت آن در مقایسه با فیلم مقداری پیشی گرفته است.

– برای یک آهنگساز تفاوت کار کردن در تلویزیون با نمایش خانگی چیست و چرا این روزها بیشتر هنرمندان علاقمند حضور در آثار تولیدی پلتفرم‌ها هستند؟
 *بودجه تلویزیون به واسطه دولتی بودن آن محدودتر و در چند سال اخیر توانسته است پُر قدرت ظاهر شود اما در چند سال اخیر که پلتفرم‌ها وارد عرصه تولید سریال شدند، باتوجه به اینکه منابع مالی خوبی در اختیار دارد و بخش خصوصی از ساخت اثر حمایت می‌کند، توانستند آثار موفق‌تر و پرهزینه‌تری نسبت به تلویزیون بسازند که بعضاً کیفیت بالاتری نیز داشته‌اند، طبیعتاً در این شرایط من آهنگساز ترجیح می‌دهم به سراغ کار در پلتفرم بروم، چون علاوه بر آنکه کار بهتر دیده می‌شود، به لحاظ بودجه دست آهنگساز بازر است و متمرکزتر می‌تواند برای پروژه وقت بگذارد و هزینه کند.

– به عنوان یک مخاطب، زخم کاری را چطور می‌بینید؟
 *احساسم این است که زخم کاری توانست جان تازه‌ای به جذب مخاطب در پلتفرم‌ها ببخشد و حرکت ویژه‌ای از سوی کارگردان آن بود که به ثمر نشست.

مسیر حرکت کند اگرچه برخی مواقع عکس این اتفاق بر مبنای خواسته کارگردان و به صورت عمد رخ می‌دهد. در نهایت باید بگویم که نمی‌توان قانونی برای این امر گذاشت.

– از نظر شما موسیقی برای پوشاندن کاستی هاست یا اینکه قصد دارد روی قصه ردی بیندازد؟
 *کارکرد موسیقی بیشتر باید برای تقویت و اثرگذاری سکانس مورد نظر باشد و آن حسی را که کارگردان به دنبال آن است، بتواند به مخاطب منتقل کند. اگر در اثری یک سکانس ضعف داشته باشد شاید موسیقی بتواند به کمک آن پیاید اما راه درستی نیست.

–موسیقی در فیلم و سریال‌های ایرانی تا چه اندازه قابل مقایسه با فیلم و سریال خارجی است؟ کیفیت موسیقی فیلم و سریال‌هایی که به تازگی تولید شده، چگونه است؟

*موسیقی فیلم‌های ایرانی و خارجی همانقدر با هم قابل مقایسه هستند که آثار ایرانی با خارجی. تصور من این است که چند سال اخیر موسیقی در ایران رشد قابل توجهی داشته و شاید نسبت آن در مقایسه با فیلم مقداری پیشی گرفته است.

– برای یک آهنگساز تفاوت کار کردن در تلویزیون با نمایش خانگی چیست و چرا این روزها بیشتر هنرمندان علاقمند حضور در آثار تولیدی پلتفرم‌ها هستند؟
 *بودجه تلویزیون به واسطه دولتی بودن آن محدودتر و در چند سال اخیر توانسته است پُر قدرت ظاهر شود اما در چند سال اخیر که پلتفرم‌ها وارد عرصه تولید سریال شدند، باتوجه به اینکه منابع مالی خوبی در اختیار دارد و بخش خصوصی از ساخت اثر حمایت می‌کند، توانستند آثار موفق‌تر و پرهزینه‌تری نسبت به تلویزیون بسازند که بعضاً کیفیت بالاتری نیز داشته‌اند، طبیعتاً در این شرایط من آهنگساز ترجیح می‌دهم به سراغ کار در پلتفرم بروم، چون علاوه بر آنکه کار بهتر دیده می‌شود، به لحاظ بودجه دست آهنگساز بازر است و متمرکزتر می‌تواند برای پروژه وقت بگذارد و هزینه کند.

– بهترین زمان اضافه شدن یک آهنگساز به پروژه چه زمانی است؟
 *طبیعتاً هرچه آهنگساز بتوان زودتر به پروژه اضافه شود، بهتر است و به روند تولید موسیقی کمک می‌کند چراکه زمان بیشتری برای کار دارد و بیشتر درگیر کار می‌شود. همچنین در طول ساخت فیلم ممکن است ایده‌هایی به ذهنش برسد که بتواند با کارگردان درباره آن صحبت کند. قاعدتاً این اتفاق نتیجه بهتری خواهد داشت تا اینکه پس از پایان تولید، آهنگساز انتخاب شود.

– عده‌ای معتقدند که طراحی موسیقی در ایران بر مبنای گونه و ژانر ساخته می‌شود اما هستند افرادی که تاثیر مجزایی دارند و منفک شدند. تحلیلان درباره این موضوع چیست؟
 *طبیعتاً موسیقی بر مبنای ژانر فیلم ساخته و کار می‌شود یعنی اگر اثری سبک و جغرافیایی خاصی دارد، موسیقی هم سعی می‌کند در همان

موسیقی در زخم کاری...

حبیب خزایی فر: زخم کاری جان تازه‌ای به جذب مخاطب بخشیده است

محمد حسین زاده



صحبت از آهنگسازی است که از ۱۵ سالگی به موسیقی علاقمند و این اتفاق باعث شد تا به امروز بیش از ۱۲۰۰ قطعه موسیقی کار کند که اغلب آنها موسیقی فیلم هستند. او علاوه بر تجربه ساخت موسیقی و تیتراژ برنامه‌های تلویزیونی و فیلم داستانی بلند، در آثار سینمایی ماندگاری از جمله ایستاده در غبار، ماجرای نیمروز، لاتاری، رد خون، درخت گردو و... حضور داشته است. درباره حبیب خزایی فر صحبت می‌کنیم، هنرمندی که علاوه بر نامزدی سیمرغ موسیقی جشنواره فجر ۲۸ (برای فیلم درخت گردو)، بهترین آلبوم موسیقی دراماتیک سال ۱۳۹۶ برای آلبوم موسیقی فیلم ایستاده در غبار و تندیس دهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران برای موسیقی فیلم سینمایی ایستاده در غبار و... برنده جایزه بهترین موسیقی متن فیلم از سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت برای مستند

جایی برای فرشته‌ها نیست و شیر زربین و دیلم افتخار بهترین موسیقی متن از یازدهمین جشن مستقل سینمای مستند برای فیلم مهمانی خداحافظی را در کارنامه دارد. با گذشت نیمی از فصل دوم سریال زخم‌کاری به سراغ این آهنگساز مطرح رفتیم تا با او گفتگو کنیم.

اینکه صدای گیتار الکترونیک بعد از تیتراژ دالما شنیده می‌شود چیست؟
 *راستی را بخواهید من اینگونه حس نمی‌کنم. شاید دلیل این اتفاق این است که توجه بیشتری به موسیقی «زخم کاری» شده و مخاطب پیدا کرده است. البته می‌توان گفت تعداد قصه‌های استفاده شده بیشتر اما زمان آن‌ها محدود و کوتاه است.

– به نظر می‌رسد نیازهای قصه در فصل دوم باعث شده است از موسیقی راک با آن صدای غالب گیتار الکترونیک استفاده شود. در فصل دوم بیشتر از چه سازهایی استفاده شد؟
 *موسیقی فصل دوم نسبت به فصل اول تغییر چرایی نداشته است چراکه شناسه سریال شده است. فقط تعدادی ساز جدید به موسیقی اضافه کردیم که حجم آن زیاد نیست و در حقیقت سعی کردیم خیلی از آن‌ها استفاده نکنیم چراکه مخاطب به موسیقی اولیه تعلق خاطر دارد و بیشتر با آن همراه است. تنها به فراخور قصه سازهایی جدید اضافه شد که تنوعی به موسیقی بدهد و رنگ‌آمیزی را متفاوت کند.

– یک نکته قابل تأمل این است که موسیقی زخم کاری سازبندی و شخصیت‌پردازی کلی دارد اما قرار نیست سوار بر داستان شود بلکه آمده است تا مخاطب را به فضای تصویری اثر متصل کند. شما بیشتر به دنبال این اتفاق بودید یا کارگردان؟ چگونه به آن رسیدید؟
 *اکثر موسیقی‌هایی که برای آثار

محمدحسین مهدویان ساختم، تم دارد چراکه ایشان علاقمندند این اتفاق رخ بدهد. ایشان قائل به فضاسازی مطلق نیست و زخم کاری هم از این قاعده مستثنی نبود و در گپ و گفت با ایشان به این مسئله رسیدیم.

– در برخی از صحنه‌ها با حجم موسیقی بالایی مواجه می‌شویم که مانعی برای شنیدن می‌شود در حالی که امکان تعدیل وجود داشت تا اثرگذارتر باشد. چرا این تعدیل اتفاق نیفتاده است؟
 *قاعدتاً هر جا از موسیقی استفاده کردیم به دنبال آن بودیم که سکانس تاثیرگذارتر به تصویر کشیده شود. موسیقی برای برخی از سکانس‌ها نیز به طور خاص طراحی شده و در آن قالب است.

– باتوجه به اینکه آهنگسازی آثار محمدحسین مهدویان پیش از این هم با شما بوده است آلمان‌هایی که معمولاً ایشان قبل از کار به شما می‌گویند برای هر کار مشابه است یا اینکه مختص به هر کاری شاخصه‌های متفاوتی را می‌گویند؟
 *هر اثری ایده و فضاسازی مختص به خود را دارد که نیازمند گپ و گفت‌های متعدد است، در نتیجه با توجه به ساختار اثر به سراغ ساخت موسیقی مختص به آن می‌رویم.

– همکاری مستمر با یک کارگردان در حیطه موسیقی، سبک آهنگسازی را به تکرار نمی‌رساند؟
 *مهم‌ترین عامل در این رابطه، شناخت عمیق از فضای اثر و نیازهای آن است. هرچه شناخت بیشتر باشد، همکاری با کارگردان آسان‌تر می‌شود. ما همیشه سعی می‌کنیم با کارگردان ارتباط عمیقی داشته باشیم تا بتوانیم بهترین نتیجه را برای او خلق کنیم.